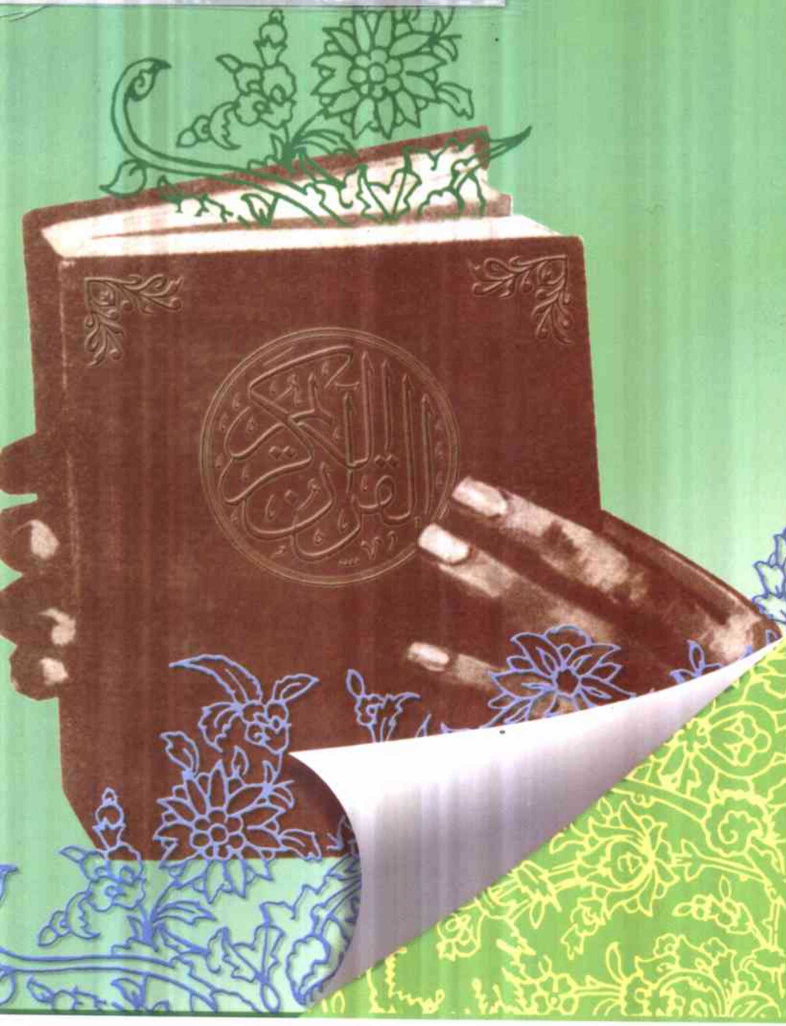


استخاره

درپرتو رهنمودهای پیامبر صلی الله علیه وسلم

مؤلف: سمیر محمد زرق • مترجم: عبدالغنی براهویی

استخاره

در

پرتو رهنمودهای پیامبر ﷺ

تألیف: سمیر محمد رزق

ترجمه: عبدالغنی براهویی

نشر احسان

رزق، سمیر قرنی محمد
استخاره در پرتو رهنمودهای پیامبر ﷺ / تألیف سمیر محمد رزق؛ ترجمه عبدالغنی براهویی.-- تهران: احسان، ۱۳۸۴.
[۱۰۳] ص.
ISBN: 964-356-440-1
عنوان اصلی: کان رسول الله صلی الله و علیه و آله یعلمنا الاستخاره کما یعلمنا السوره من القرآن.
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. [۱۰۲-۱۰۳]؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. استخاره. ۲. دعا. ۳. محمد ﷺ، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق.
-- احادیث. الف. براهویی، عبداغنی، ۱۳۴۷- ، مترجم. ب. عنوان.
۲۰۴۱ گ ۴ ر/ ۲۷۲/۵/ BP ۲۹۷/۷۹
۱۳۸۴
کتابخانه ملی ایران ۱۵۷۶۹ - ۸۴م

استخاره در پرتو رهنمودهای پیامبر ﷺ

✦مؤلف: سمیر محمد رزق
✦مترجم: عبدالغنی براهویی
✦ناشر: نشر احسان
✦تیراژ: ۳۰۰۰ جلد
✦نوبت چاپ: اول ـ ۱۳۸۴
✦چاپ: چاپخانه پیام
✦قیمت: ۷۰۰ تومان

فروشگاه شمارهٔ ۱: تهران ـ خیابان انقلاب ـ روبروی دانشگاه ـ مجتمع فروزنده ـ شمارهٔ ۴۰۶ ـ تلفن: ۶۹۵۴۴۰۴
فروشگاه شمارهٔ ۲: تهران ـ خیابان ناصر خسرو ـ کوچه حاج نایب ـ شمارهٔ ۱/۱۱ ـ تلفن: ۳۹۰۲۷۵۰
صندوق پستی: تهران ۳۸۵ ـ ۱۱۴۹۵

نشر احسان

ISBN: 964-356-440-1
شابک: ۱-۴۴۰-۳۵۶-۹۶۴

بسم الله الرحمن الرحيم

«اللّهم رضّني بقضائك و بارك لي في قدرك حتى لا أحبّ تـعجيل شيءٍ أخّرتَه و لا تأخير شيءٍ عجّلته و لا تبعث بدني في طلب مالم تقدّره عليّ»[1]

«بارالها! مرا به قضایت خشنودگردان و تقدیرت را برایم مبارک و میمون قرار ده تا تعجیل چیزی راکه برایم (به خاطر حکمت و مصلحتی که خودت می‌دانی) به تأخیر انداخته‌ای، دوست نداشته باشم. همچنین تأخیر چیزی راکه برایم معجّل کرده‌ای دوست نداشته باشم. نیز جسمم را در طلب چیزی که آن را برایم مقدر نکرده‌ای به حرکت در نیاور.»

۱ـ نیایش فوق منسوب به حضرت عمر بن عبدالعزیز رحمه الله است.

فهرست مطالب

سخن مترجم

از دیرباز برای تشخیص خوب یا بد بودن کاری که تصمیم به انجام آن گرفته شده، روش‌های خاصی به‌کار می‌رود. امروزه فال حافظ و فال قهوه و استخاره گرفتن با قرآن از شیوه‌های متداول در میان مردم است. بدیهی است که این شیوه‌ها نمی‌توانند سرنوشت ما را رقم بزنند و یا ما را نسبت به وضعیت تصمیمی که گرفته‌ایم و آگاه سازند.

بهترین شیوه‌ای که از پیامبر ﷺ در این خصوص به ثبوت رسیده، استخاره است. بر اساس احادیثی که از پیامبر ﷺ نقل شده، در این مورد نیز اتفاق خاصی نمی‌افتد و تنها کاری که بنده می‌کند، این است که از خداوند می‌خواهد در تصمیمی که گرفته او را به سمت خیر هدایت کند و اگر سرانجام تصمیم او به بدی ختم می‌شود، او را از این تصمیم باز دارد. چه خوب است به جای شیوه‌های خرافی استخاره، شیوه‌ای که هم خردمندانه است و هم با موازین دینی مطابقت دارد، در زندگی ما رایج شود. نوشتار کم حجم اما آموزنده‌ای که در پیش روی دارید با همین هدف ترجمه شده است؛ امید است قبول افتد، از کسانی که در تهیه و نشر آن همکاری داشته‌اند صمیمانه تشکر کنم.

«والله ولی التوفیق»

تقریظ شیخ ابوبکر حنبلی

الحمد لله غافر الذنب و قابل التوب، شدید العقاب، لا إله إلا هو إليه المصير، و أشهد أن لا إله الاّ الله وحده لا شريك له، و أشهد أنّ محمداً عبده و رسوله، صلوات الله و سلامه عليه و على آله و صحبه و من والاه إلى يوم الدين. اما بعد:

برادر دینی‌ام جناب شیخ سمیر بن رزق از من خواست که نگاهی به تحقیق وی پیرامون ***استخاره*** بیندازم و آن را مرور کنم. من پیشنهاد وی را نشان فروتنی می‌دانم؛ چرا که تألیف نامبرده پیرامون «استخاره» نگاشته‌ای جالب و زیباست و تا جایی که اطلاع دارم تا کنون درباره‌ی استخاره کتابی مستقلی، نگاشته نشده است.(۱)

کتاب مزبور، مشتمل بر مباحثی از قبیل: برحذر داشتن از رفتن نزد کاهنان، فال گیران، شعبده بازان، ساحران و... می‌باشد که خواننده را به توحید و یکتاپرستی تشویق می‌کند و از شرک و مظاهر آن برحذر می‌دارد. چنان نگاشته شده است که مخلوق را به آفریدگارش وصل می‌کند و به پیروی از سنت فرا می‌خواند و از بدعت و مظاهر آن نیز برحذر می‌دارد.

---

۱ - بعد از نوشتن این مقدمه از نوشته‌هایی پیرامون استخاره اطلاع یافتم که متأسفانه نتوانسته بودند موضوع را به تفصیل شرح دهند.

به دعا و نیایش و شناخت اهمیت آن، ترغیب و تشویق کرده و جایگاه استخاره را نزد پیشینیان، صحابه و تابعین و دیگر نیکان رحمهم الله، تبیین و تشریح می‌کند.

نویسنده‌ی ارجمند، برای نگاشتن موضوع ***استخاره*** بصورت مستقل، همت گماشت. در ضمن معنا و مفهومی راکه در برگیرنده‌ی این آیه است نیز تبیین کرده است:

﴿أليومَ أكمَلتُ لَكُم دينكم و أتْمَمْتُ عَلَيكُم نعمتي و رَضِيتُ لَكُم الإسلام دِيناً﴾ (۱)

نویسنده نیز افزوده است که دین و مفاهیم آن هرگز، با خواب و پیشگویی‌ها به دست نمی‌آید، بلکه از منابع اصلی و سرچشمه‌های زلال خویش (قرآن و سنت) حاصل می‌شود. نویسنده در ضمن بحث خود به نقاط خوب و ارزنده‌ای نیز اشاره کرده است.

در پایان می‌گویيم: خداوند به استاد سمیربن رزق پاداش خوب و جزای خیر عنایت کند و خود و نوشته‌هایش را مایه‌ی خیر و استفاده‌ی عموم قرار دهد.

﴿و الله غالب على أمره و لكن أكثر الناس لا يعلمون﴾ (۲)

«خداوند بر انجام هر کاری توانمند است، اما بیشتر مردم نمی‌دانند.»

---

۱ - سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳: «امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تکمیل کردم و اسلام را به عنوان آیین برای شما برگزیدم».

«در ترجمه‌ی آیات از تفسیر نور اثر استاد مصطفی خرم دل بهره گرفته شده است.»

۲ - سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۲۱

مقدمه‌ی مؤلف

إن الحمد لله، نحمده و نستعينه و نسغفره، و نعوذ بالله من شرور أنفسنا و من سيئات أعمالنا، و من يهده الله فلا مضّل له، و من يضلل فلا هادى له، و أشهد أن لا إله إلّا الله وحده لا شريك له، و أشهد أنّ محمداً عبده و رسوله. اما بعد.

کتابی که هم اینک فرا روی شماست، نوشته‌ی فروتنانه‌ای است که برای برادران و خواهران ایمانی‌ام نگاشته‌ام تا فضیلت و فواید ***استخاره*** و پایبندی به آن را برای آنان تبیین و تشریح کنم. افزون بر آن اهتمام پیشوا و سرورمان جناب رسول خدا ﷺ و مدارسه و مذاکره‌اش توسط آن حضرت ﷺ همانند آیات قرآن ـ چنان که گویی سوره‌ای از آن است ـ بر اهمیت و فضیلت ***استخاره*** نیز می‌افزاید؛ آن هم در فضایی که همواره بر او وحی نازل می‌شد؛ وحی که نامش «فرقان» است و محتوایش هدایت و سعادت و امر و نهی الهی، با وجود آن، هیچ گاه نفرمود هر گاه یکی از شما اراده‌ی انجام کاری کرد، نزد من بیاید؛ چون من پناه دهنده و کمک کننده هستم، یا: من به آسمان صعود می‌کنم و در محضر پروردگار حضور می‌یابم و تقدیر الهی را، آن طور که دلم می‌خواهد، دست کاری می‌کنم!! هرگز رسول خدا چنین نگفت؛درست برخلاف آنچه برخی از صوفیان منحرف، مدعی‌اند و شعری در این مضمون به شیخ احمد رفاعی نسبت

می‌دهند که می‌گوید:

من لاذفينا اكتفى من غيرنا أبداً و جاء في ركبنا بالأمن من ندم
فالجأ بأعتاب عزّى و التمس مددى و طف ببابي وقف مستمطراً نعمى
و لازم الذّل في بطحاء منزلنا تنجُ بهمّتنا من حالة العدم(۱)

«هرکس به ما پناه آورد هرگز به غیر ما نیاز پیدا نمی‌کند و درکاروان ما از ندامت و پشیمانی در امان خواهد بود. پس به آستانه‌ی عزتم پناه آور و یاری‌ام را بجوی و به درگاهم گشتی بزن و منتظر باران نعمت‌هایم باش و بر تو بادکرنش در منزلگه ما در بطحاء، چراکه به همت ما از وضعیت فقر و تنگدستی نجات پیدا خواهی کرد.»

نمی‌دانم این گروه، چگونه نسبت این سخن ناگوار و زشت و فرعونی را به شیخشان گوارا دانستند، نمی‌دانم عقلشان کجاست!

پیامبر اکرمﷺ که سرور انبیا و اولیاست هرگز چنین ادعایی را به خود نسبت نداده است، بلکه چنین فرموده است:

«إذا همّ أحدكم بالأمر فليصلّ ركعتين من غير الفريضة»

«هرگاه یکی از شما اراده‌ی انجام‌کاری راکرد، بایستی دو رکعت نفل بگزارد.»

سپس چنین دعاکند:

«أللّهم إنّي أستخيرك بعلمك و أستقدرك بقدرتك»

«بارالها! من با علم تو از تو طلب خیر می‌کنم و با قدرت تو از تو طلب قدرت و توانمندی می‌کنم.»

بنابراین، پیامبر خداﷺ بدین‌وسیله دل‌های مردم را به خالق و مدبر کارها و برآورده کننده‌ی نیازهایشان مرتبط می‌کرد.

---

۱ ـ تهذیب الرفاعیة، ص ۵۹

مثلاً زمانی که عبدالله بن عباس رضی الله عنه پسر بچه‌ای بود، آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم او را این گونه سفارش می‌کرد:

«یا غلام، إذا سألت فاسأل الله و إذا استعنت فاستعن بالله»

«ای پسر! هر گاه چیزی خواستی از خداوند بخواه و هر گاه کمک خواستی از خداوند کمک بخواه.»

استخاره عاملی بازدارنده از گمراهی و پناهگاه امنی از لغزش‌ها و انحرافات است؛ و از سنت‌هایی است که در عصمت، همزاد کتاب خدا است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«ترکت فیکم أمرین ما إن تمسّکتم بهما لن تضلّو بعدی أبداً، کتاب الله و سنّتی»[۱]

«بعد از خودم بین شما دو چیز گذاشته‌ام؛ اگر به آن دو متمسک شوید و عمل کنید، هرگز گمراه نخواهید شد. آن دو چیز کتاب الله و سنتم است.»

آخر چگونه گمراه می‌شود، کسی که تکیه‌اش، تنها به خداوند است، مددجویی‌اش تنها از خالق یکتا و توکل و اعتمادش بر خداوند توانا است. مگر خداوند نفرموده است:

---

۱ - شیخ آلبانی در کتاب *التوسل* حدیث فوق را با این الفاظ ذکر کرده است: «ترکت فیکم أمرین لن تضلّو ما تمسّکتم بهما کتاب الله و سنة رسوله» در پاورقی همان کتاب می‌گوید: حدیث را امام مالک بصورت مرسل روایت کرده است و حاکم از ابن عباس روایت کرده است. اسنادش حسن است و شاهدی از حدیث جابر نیز دارد که در سلسلة ***الأحادیث الصحیحة*** به شماره‌ی (۷۶۱) ذکر کرده‌ام.

﴿و مَن يَتَوَكَّل على الله فَهُو حَسْبُهُ﴾(۱)

«هرکس بر خدا توکل‌کند [وکار و بار خود را بدو واگذارد]، پس وی، او را بسنده است.»

شایان ذکر است که نیاز مردم در این دوران به استخاره بیش از پیش است؛ چرا که دوران ما، دورانی سرشار از فتنه و فساد است، چنان که انسان شکیبا و بردبار را نیز سرگردان و حیرت زده می‌کند؛ دورانی است که کشش‌های هوای نفس زیاد و آرا و نظرات، مختلف و متفاوت شده است، همت‌ها سست و تعهدات نقض شده است، حق با باطل جا عوض کرده و به جای هدایت ضلالت و گمراهی نشسته است، معروف لباس منکر به تن کرده، چنان که معروف از منکر تشخیص داده نمی‌شود. دیگر برای کسی که می‌خواهد دینش را با چنگ و دندان حفظ کند چاره‌ای جز این نیست که به خدای صاحب امر و خلق متوجه شود و قلبش را تماماً به او بسپارد.

لذا برای انجام هر کار ارزنده‌ای نبایستی بدون عرض حال به پیشگاه خداوند و استخاره درباره‌ی آن، اقدام کند؛ چون تنها خداوند کافی و شافی است.

﴿هو الحی لا إله إلا هو فادعوه مخلصین له الدّین الحمد لله رب العٰلمین﴾(۲)

«زنده‌ی جاوید او است، جز او خدایی وجود ندارد. پس او را به فریاد خوانید و عبادت را خاص او بدانید. سپاس و ستایش خدایی را سزاست که پروردگار جهانیان است.»

---

۱ - سوره‌ی طلاق، آیه‌ی ۳

۲ - سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۵

استخاره، بستری برکت‌خیز

یکی از الطاف پروردگار بر بندگان این است که استخاره را از زبان پیامبرش برای آنان مشروع و آن را جایگزین عمل جاهلانه‌ی مشرکان کرده است.

همچنین استخاره جایگزین عملی است که برخی از مسلمانان در جاهلیت کنونی مرتکب می‌شوند. چنین نقل شده است که هر گاه مشرکان تصمیم به مسافرت مهمی می‌گرفتند، یا اراده‌ی سفرِ تجاری یا قصد ازدواج می‌کردند، با تیرک‌ها (ازلام) که از سنگ یا اوراق ساخته شده بود، بخت آزمایی و طالع بینی می‌کردند و از آن‌ها طلب خیر می‌کردند. مشرکان باور داشتند که آن‌ها توانِ انتخاب خیر و شر را دارند؛ لذا خیر به اعتقاد آنان همان بود که آن‌ها انتخاب می‌کردند. در حدیث هجرت از قول سراقة بن مالک، زمانی که در تعقیب رسول خداﷺ و ابوبکرؓ بود، آمده است: که گفت: با تیرک‌ها بخت آزمایی و طالع‌بینی کردم که آیا می‌توانم به آنان آسیبی برسانم یا نه. همان تیری بیرون آمد که برایم ناگوار بود؛ یعنی همان تیری بیرون آمد که نمی‌توانم به آنان ضرر و زیانی برسانم؛ چون سراقه قصد داشت آنان را دستگیر کند و جایزه‌ی ویژه‌ی قریش را در ازای تحویل آنان، دریافت کند.

این رخداد، پیش از مسلمان شدن او بوده است.

به تیرک‌هایی که با آن‌ها بخت آزمایی و طالع بینی می‌کردند، در عربی «ازلام» گفته می‌شود. ابن جریر طبری می‌گوید: مردم در دوران جاهلیت برای تشخیص خیر و شر و شناخت نحس بودن یا نیک بودن کاری که قرار بود، انجام دهند؛ به سراغ سه تیرک می‌رفتند که روی یکی از آن‌ها نوشته شده بود: «انجام بده» و روی دومی نوشته شده بود: «انجام مده» و بر سومی نوشته شده بود: «غُفُل» به چیزی گفته می‌شود که هیچ گونه اثر و نشانی نداشته باشد، همچنین به کسی گفته می‌شود که در انجام امور هیچ تجربه‌ای نداشته باشد؛ به تعبیر دیگر «کودن».

وقتی که خورشید اسلام بر دنیا تابیدن گرفت، مردم را از انجام کارهای جاهلانه منع کرد و حرمت بخت آزمایی و طالع بینی با تیرها و... را در ردیف میگساری و قماربازی و بت‌پرستی قرار داد.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿یا أیّها الّذین آمنو إنّما الخمر و المیسر و الانصاب، و الأزلام رجسٌ من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون﴾(۱)

«ای مؤمنان! میخوارگی و قماربازی و بتان (سنگی و غیره که در کنار آن‌ها قربانی می‌کنید) و تیرها (و سنگها و اوراقی که برای بخت آزمائی و غیبگویی به کار می‌برید، همه و همه از لحاظ معنوی) پلیدند (و ناشی از تزیین و تلقینِ) عمل شیطان هستند. پس از این کارهای پلید دوری کنید تا رستگار شوید.»

روش اسلام در تحریم چیزی یا بازداشتن از انجام امری، بدین شکل است که هر گاه چیزی را حرام اعلام کند، حتماً جایگزین شفابخش و قانع‌کننده‌ای برای آن قرار می‌دهد. با این تفاوت که در عمل مشروع خیر و

---

۱ - سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۹۰

برکت بزرگی نهفته است و در عمل غیر مشروع و بدعت‌آمیز که انسان مرتکب آن می‌شود جز ضررو زیان چیز دیگری وجود ندارد.

بنابراین، پیامبر خدا ﷺ همان‌طور که سخت علاقمند بود به یارانش سوره‌های قرآن را آموزش دهد، رغبت داشت که آنان استخاره را هم فراگیرند و آن را در زندگی روزمره‌ی خویش مورد استفاده قرار دهند؛ چون استخاره نزد پیامبر ﷺ از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و نیاز مسلمانان بدان، اهمیت آن را دو چندان می‌کرد.

حضرت جابر بن عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر خدا ﷺ در تمام امور و کارهای روزمره استخاره را همانند سوره‌ای از قرآن به ما آموزش می‌داد؛ در روایتی دیگر آمده است، همان طور که سوره‌ای از قرآن را به ما آموزش می‌داد، استخاره را نیز به ما آموزش می‌داد.

واقعاً جای بسی تأسف است که مسلمان قرن پانزدهم هجری قمری آن هم در عصر علم و دانش و روشنگری، دوران رشد و ترقی عقلانی بشر، از این نور درخشنده که رسول خدا ﷺ برای آنان به ارمغان آورده است، روی برتابند و بدان توجه و اعتنایی نکنند، عقل و خرد خویش را در راه بیهوده بکار گیرند و با رفتن نزد کاهنان و فال گیران و طالع‌بینان و جادوگران و... خود را به بدبختی و هلاکت بیندازند، از جن و مردگان استعانت و کمک بجویند و در صدد کشف و شناخت امری برآیند که خداوند آن را حتی از پیامبرش نهان داشته است؛ چون دانستن غیب، صفتی از صفات خدای «علام الغیوب» است.

در این خصوص خداوند به پیامبر امر کرده است که در حضور مردم چنین اعلان کند:

﴿قل لا أملكُ لنفسی نفعاً ولا ضَرّاً إلّا ما شآءالله ولو كنت أعلم الغیب لأستكثرت من الخیر و ما مسّنی السّوء إن أنا إلّا نذیر و بشیر لقوم یؤمنون﴾[1]

«بگو: من مالک سودی و زیانی برای خود نیستم، مگر آن مقداری که خدا بخواهد و اگر غیب می‌دانستم، منافع فراوانی نصیب خود می‌کردم و اصلاً شر و بلا به من نمی‌رسید. من جز بیم دهنده و مژده دهندهٔ مؤمنان نیستم.»

﴿قل لا أقول لكم عندی خزائن الله و لا أعلم الغیب و لا أقول لكم إنّی ملك إن أتّبع إلّا مایُوحی إلیّ﴾[2]

«ای پیغمبر بگو: من نمی‌گویم گنجینه‌های خداوند نزد من است، و من غیب نمی‌دانم و من به شما نمی‌گویم که من فرشته‌ام. من جز از آنچه که به من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم.»

بنابراین، کسی که توان و ظرفیت تصدیق آنچه را که رسول خدا ﷺ بیان می‌کندرا ، نداشته باشد؛ استخاره و هر چیزی دیگر به او هرگز سودی نخواهد رساند؛ چون او مانند کسی است که از زمین تافته بر آتش پناه برد.

یا به قول شاعر «کالعیس فی البیداء یقتلها الظمأ و الماء فوق ظهورها» محمول»: آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم یار در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم.

از خداوند مسئلت می‌کنیم که راه گم کرده‌ی ما را هدایت و آواره‌ی ما را بازگرداند و ما را به عیب‌هایمان آگاه و بینا کند و با فضل و لطف خویش به ما راه یافتگی الهام بخشد. آمین.

---

۱ - سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۸۸

۲ - سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۵۰

استخاره چیست؟

استخاره عبارت است از طلب خیر کردن و برای بدست آوردن آن تلاش کردن. از باب استفعال به معنای خواستار شدن است. «الخیر اسمی است از فعل «**خار الله لك فی هذا الامـر** / خداوند در این امر برایت خواستار خیر شـده است.»

الاختیار: یعنی برگزیدن و گلچین کردن. می‌گویند: «**استخر الله یخر لك** / از خداوند خواستار خیر شو که آن را برایت بـرمی‌گزیند.» چـون هـر گـاه بـنده از خدا خیر طلب کند، آن را برایش فراهم می‌کند. در محاوره گفته می‌شود «**فلان خیری من الناس** / فلان کس دوست برگزیده‌ام است.»

«**استخار المنزل**»؛ خواهان نظافت و پاکیزه شدن منزل شد.

«**استخار الرجلُ الرجلَ**»؛ از او خواهان عطوفت شد و او را به سوی خود فرا خواند.[1]

استخاره در معنای اصطلاحی و شرعی خود، طلب خیر کردن از خداوند در کارهایی است که برای بندگانش مباح و حلال، ساخته است. روش آن بایستی به نحو و کیفیت‌هایی که سنت پیامبر ﷺ تعیین کرده است، منطبق باشد.

۱ـ ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۲۱، ص ۱ - ۱۲.

استخاره، نشان اعتماد به خدا

استخاره به معنای اعتماد و ارتباط همیشگی انسان با خداوند است. و دلبستگی قلب وی بدانچه که نزد اوست، دلبستگی بنده‌ای که به قضا و قدر پروردگارش خشنود است و به حکم او مطمئن و در تمام امور توکل و اعتمادش به او و همیشه خویش را بر آستان فضل و لطف بی‌شمارش می‌بیند. این بنده همواره سخن زیبای پروردگارش را فرا روی خویش قرار می‌دهد:

﴿و رَبُّكَ يَخلُقُ ما يَشآء و يَختارُ، ما كان لَهُمُ الخِيَرَة﴾[1]

«پروردگار تو هر چه را که بخواهد می‌آفریند، هر کس را بخواهد برمی‌گزیند، و مردمان (پس از صدور فرمان خدا درباره‌ی چیزی و کسی) حق انتخاب و اختیار ندارند...»

باز از خداوند آرزومند است که او را به راست‌ترین و زیباترین راه‌ها هدایت کند، چرا که چنین درخواستی از صفات سعادتمندان است.

امام محمدﷺ از سعد بن ابی وقاصؓ روایت می‌کند که رسول اکرمﷺ فرموده است: از علایم سعادتمندی انسان این است که در تمام کارهایش از خداوند طلب خیر کند و به قضا و قدر الهی خشنود باشد و از علایم نگونبختی انسان این است که طلب خیر و استخاره را رها سازد و از قضا و قدر پروردگارش ناخشنود و ناراضی باشد.[2]

---

۱ - سوره‌ی قصص، آیه‌ی ٦٨

۲ - حافظ ابن حجر حدیث فوق را حسن دانسته است. رک: *فتح الباری*، ج ۱۱، ص۱۸۷. در سند حدیث فوق محمد بن ابی حمید است که در روایت حدیث ضعیف است.

امام ابن قیم می‌گوید: بنگر که امر مقدر شده چگونه با دست‌آویز قرار دادن دو چیز بدست می‌آید:

۱ـ توکلی که پیش از آن استخاره باشد؛

۲ـ خشنود بودن بدانچه که خداوند پس از استخاره مقدّر می‌کند؛ چرا که خشنود بودن به قضا و قدر الهی عین سعادتمندی است.

در صورتی که استخاره توأم با توکل نباشد و همچنین پیش از توکل، استخاره ترک شود، یا بعد از آن نارضایتی و ناخشنودی از پروردگار وجود داشته باشد، نشان شقاوت و بدبختی خواهد بود؛ در دعا نیز می‌خوانیم: «و **أسألك الرضاء بعد القضاء** / بعد از وقوع قضا از تو خشنودی می‌طلبم.»

قضا پیش از وقوع عزیمت است؛ اما زمانی که رخ داد، از دایره‌ی عزیمت خارج می‌شود؛ و رضا بعد از وقوع قضا، حال و مقام است.

به طور خلاصه، مقصود این است که استخاره عبارت از توکل به خداوند و خویشتن را به او سپردن و با قدرت و دانش و حسن انتخاب او نسبت به بندگانش (که همیشه برای آنان خواهان خیر است) بخت‌آزمایی کردن است. قطعاً این امر از مستلزمات پذیرش ربوبیت اوست. اگر انسان مسلمان چنین نباشد هرگز حلاوت ایمان را نخواهد چشید، و هر آنچه بعد از استخاره مقدر شود و انسان بدان خشنود گردد، نشان سعادتمندی اوست.(۱)

۱ـ *زاد المعاد*، ج ۲، ص ۴۴۴.

پیوند استخاره با یکتاپرستی

در استخاره بزرگ‌ترین مفاهیم و والاترین معانی توحید نهفته است.

پیامبر خداﷺ به ما آموخته است که هیچ گاه بدون پناه بردن به خدا تصمیم به انجام کاری نگیریم و قبل از هر کاری بایستی با جدیت دعا کنیم، به امید آنکه خداوند به علم خویش ما را به بهترین امور و درست‌ترین کارها رهنمون شود و بدی را با قدرت خویش از ما دور سازد و ما را از لغزش‌ها برهاند.

به ما آموخته است که چگونه، همچون بنده‌ای کرنش‌گر و فروتن به خدای جلیل پناه بریم که آغاز این پناه بردن بایستی با نماز باشد، در نماز دروازه‌ی پادشاه و مالک الملک را بایستی پی در پی بزنیم تا باز شود و اجازه‌ی ورود داده شود.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌گوید:

«إنك ما كنت فی صلاة فإنك تقرع باب الملك و من يكثر قرع باب الملك يوشك أن يفتح له»(۱)

«تا زمانی که در نماز هستی انگار بر دروازه‌ی پادشاه حلقه می‌زنی و هر کس که بیشتر حلقه بر در بزند امید است که در به روی او گشوده شود.»

آنگاه به بنده اجازه‌ی سخن گفتن داده می‌شود. او نیز خویشتن را خاضعانه به آستانه‌ی او خواهد انداخت. در همان حال بایستی خود را از کلیه‌ی توانمندی‌هایش برهاند و به حول و قوه‌ی الهی پناه برد.

زبان حالش چنین گوید:

۱ـ به روایت طبرانی، فی *الکبیر* و رجاله رجال الصحیح، مجمع *الزوائد*، ج ۲، ص ۲۵۸.

«يا مالك الملك، يا عالم الغيب، يا من عوّدتني الكرم، و أعطيتنى، و اخترت لي قبل أن أسألك، لا تخذلني، و أنا أسألك، أللّهم اختر لي فإنّي لا أحسن الإختيار، و دبّر لى، فإني لا أحسن التدبير، و اهدني بعلمك إلى خيري الدنيا و الآخرة يا علاّم الغيوب»

«ای مالک هستی، ای دانندهی غیب، ای کسی که مرا به کرم و بخشش خود مأنوس کردی، و هر آنچه را که از تو خواستم به من عطا کردی؛ و پیش از آنکه از تو طلب کنم برایم خیر انتخاب کردی؛ اکنون مرا رها مکن و تنهایم مگذار. من فقط از تو می‌خواهم. بارالها! خیر را برای من برگزین، زیرا که انتخاب من خوب نیست و برای من تدبیر کن و برایم چاره‌ای ساز، چون من توان حسن تدبیر را ندارم؛ ای دانندهی غیب‌ها، با علم خود به خیر دنیا و آخرت راهنمای‌ام کن.»

شاعری شیرین سخن، سروده است:

ألا فی الصلاة الخير أجمع   لأنّ بها الرّقاب لله تخضع
و أوّل فضل فی شريعة ديننا   و آخر ما يبقى إذ الدين يرفع
فمن قام للتكبير لاقته رحمة   و كان كعبدٍ بابَ مولاه يقرع
و كان لربّ العرش حين صلاته   نجيّاً فيا طوبىٰ له حين يخشع

«هان! در نماز خیر کاملی نهفته است؛ زیرا در آن گردن‌ها در برابر خدا فروتن می‌شوند. در شریعت ما نخستین فضیلت در نماز است و وقتی که دین از میان مردم برداشته شود، نماز واپسین چیزی است که می‌ماند؛ و هر کس که برای تکبیر برمی‌خیزد، رحمت‌های الهی به استقبالش خواهد آمد و چنین کسی به بنده‌ای می‌ماند که دروازه‌ی مولایش را مرتب می‌زند؛ و هنگام نمازش با صاحب عرش به گفت و گو می‌نشیند و خوشا به حال او وقتی که در برابر خدا خاشع و فروتن می‌شود.»

در ضمنِ استخاره و انس گرفتن با آن، بنده یقین خواهد کرد که پروردگاری دارد که هر گاه از او بخواهد، به او عطا می‌کند؛ چون ذاتی است که هر کس او را فرا خواند، پاسخش می‌دهد و هر کس از او طلب یاری کند، کمکش می‌کند و هر کس بدو پناه برد، پناهش می‌دهد.

هیچ چیز در زمین و آسمان از پروردگار تو نهان نمی‌ماند؛ چه ذره‌ای باشد و چه کوچک‌تر و یا بزرگ‌تر از آن، همه‌ی این‌ها در کتاب واضح و روشنی در نزد پروردگارتان به نام *لوح محفوظ* ثبت و ضبط می‌شود.

خداوند از زبان لقمان که فرزندش را موعظه می‌کند، می‌فرماید:

﴿يا بُنَيَّ إنها إن تك مثقال حبَّةٍ من خَردَل فَتَكُن في صَـخرةٍ أو في السّموات أو في الأرض يأتِ بها الله إنَّ الله لَطيفٌ خبير﴾(۱)

«پسر عزیزم! اگر به اندازه‌ی سنگینی دانه‌ی خردلی (عمل نیک یا بد انجام گرفته) باشد و در دل سنگی، یا در آسمانها و یا اینکه در میان زمین باشد، خدا آن را حاضر می‌آورد (و به حساب و کتاب آن رسیدگی خواهد کرد). چراکه خداوند بس دقیق و آگاه است.»

استخاره‌کننده می‌داند که خداوند دارای علم و قدرتی است که بر تمام اشیا چیره است و هیچ چیزی آن را مغلوب نخواهد کرد.

خداوند می‌فرماید:

﴿و هو القاهر فوق عباده و هو الحكيم الخبير﴾(۲)

«او بر سر بندگان خود مسلط است و او حکیم است (و کارهایش را از روی حکمت انجام می‌دهد و از احوال و اوضاع) بس آگاه است.»

---

۱ - سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۱٦ ۲ - سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۸

لذا بنده بر خدا توکل می‌کند و خود را بدون توجه و اعتماد به کسی دیگر، به او می‌سپارد.

خداوند می‌فرماید:

﴿فإذا عزمت فتوکل علی الله﴾(۱)

«و هنگامی که تصمیم به انجام‌کاری گرفتی (پس از شور و تبادل آراء، قاطعانه دست به‌کار شو) و بر خدا توکل کن.»

﴿و من یتوکل علی الله فهو حسبه﴾(۲)

«هرکس بر خدا توکل کند (و کار خود را بدو واگذارد) خداوند او را بسنده است.»

شاعر می‌گوید:

توکل علی الرحمن فی کل حاجة   أردت فإن الله یقضی و یقدر
إذا ما یُرد ذوالعرش أمراً بعینه   یصبه، و ما للعبد ما یتخیر
و قد یهلک الإنسان من وجه حذره   و ینجو بحمد الله من حیث یحذر

«بر خدای رحمان برای برآوردن هر نیازی که اراده کردی توکل کن؛ زیرا قضا و قدر به دست اوست؛ خداوند هرگاه انجام امر معینی را اراده کند آن را انجام خواهد داد، ولی بدون اذن و ارادهٔ خداوند بنده نمی‌تواند برای خود چیزی را انتخاب کند؛ گاهی انسان از ناحیه‌ای بیم دارد و ممکن است هلاک شود. اما به لطف الهی از آن ناحیه‌ای که هراس دارد نجات می‌یابد.»

دیگری می‌گوید:

۱- سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۵۹

۲- سوره‌ی طلاق، آیه‌ی ۳، این آیه در اصل متن نبود و به خاطر تناسبش با موضوع از سوی مترجم به آن افزوده شده است.

العبد ذو ضجر و الرب ذو قدرٍ و الدهر ذو دولٍ و الرزق مقسوم
و الخیرأ جمع فیما اختار خالقنا و فی اختیار سواه اللوم و الشوم

«بنده دارای غم و اندوه و آه و ناله است و خدا صاحب تقدیر است؛ و زمانه هم در حال گذر است و روزی نیز تقسیم شده است. و خیر و برکت کامل همان است که آفریدگار ما برای ما انتخاب کرده است، و در انتخاب دیگران، سرزنش و کیفر است.»

خداوند می‌فرماید:
﴿و ربّك يخلق ما يشآء و يختار ما كان لهم الخيرة سبحان الله و تعالىٰ عما يشركون﴾[1]

«پروردگار تو هر چه را بخواهد می‌آفریند، و هر کس را بخواهد برمی‌گزیند، و مردمان (پس از صدور فرمان خدا درباره‌ی چیزی و کسی) حق انتخاب و اختیار ندارند. خداوند بسی منزه‌تر و بالاتر از آن است که چیزی را انباز او کنند.»

خداوند می‌فرماید:
﴿و ما كان لمؤمن و لا مؤمنة إذا قضىٰ الله و رسوله أمراً أن يكون لَهُمُ الخِيَرَةُ من أمرهم﴾[2]

«هیچ مرد و زن مؤمنی، در کاری که خدا و پیغمبرش داوری کرده باشند (و آن را مقرر کرده باشند) اختیاری از خود در آن ندارند.»

رسول اکرم ﷺ که سرور موحدان است، هر گاه برایش مشکلی پیش می‌آمد، بی‌درنگ به نماز روی می‌آورد و هر گاه در دعا اوج می‌گرفت چنین می‌فرمود:

---

۱ - سوره‌ی قصص، آیه‌ی ٦٨
۲ - سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ٣٦

«اللهم رحمتك أرجو، فلا تكِلنی إلی نفسی طرفة عین، و أصلح لي شأني كلّه، لا إله إلا أنت»[1]

«بارالها! به رحمت تو امیدوارم، لذا لحظه‌ای مرا به خودم وا مگذار و تمام حالات و امورم را برایم خوب و نیک‌گردان؛ چون هیچ معبودی [به حق] جز تو نیست.»

و هنگام مصیبت می‌فرمود:

«لا إله إلا الله العظیم الحلیم، لا إله إلا الله ربّ السموات و الأرض و رب العرش العظیم»[2]

«هیچ معبودی به حق جز خدای بزرگ و بردبار نیست، هیچ معبودی به حق جز خدا وجود ندارد، او پروردگار آسمانها و زمین و آفریننده‌ی عرش بزرگ است.»

تجرد در زمان استخاره

ادب استخاره اقتضا می‌کند که شخص استخاره‌کننده در زمان استخاره، خویشتن را از بند هوای نفس پاک کنند و مانند کسی که مشتاق به شناخت خیر است از پروردگارش طلب کند، بعد از آنکه به انجام کاری معین تصمیم گرفته و عزم خودش را جزم کرده است، بایستی استخاره کند. چون در این صورت از خداوند می‌خواهد که با هوای نفس و آنچه مطابق میل او است، موافقت کند و رأی او را تأیید نماید و بر خواسته‌اش مهر تأیید بزند؛ زیرا او در این صورت مانند کسی است که نظر دوست

۱- به روایت *ابوداود* و *ابن حبان* به شماره‌ی ۹۷۰، احمد، ج ۵، ص ۴۲، *نسائی*، حافظ ابن‌حجر در *أمانی الاذکار*، ج ۴، ص ۸، آن را حسن ذکر کرده است، هیثمی در *مجمع الزوائد*، ج ۱۰، ص ۱۳۷.)

۲- به روایت *بخاری*، *فتح الباری* به شماره‌ی ٦۳۴۵، و *مسلم* به شماره‌ی ۲۷۳۰.

یا خویشاوندش را درباره‌ی چیزی بخواهد و با او در مورد انجام یا ترک کاری، رایزنی و مشورت کند؛ در صورتی که قبلاً تصمیم خودش را برای انجام یا ترک آن کار گرفته است، ولی اکنون فقط به او اعلام می‌کند و بدین وسیله خودش را از سرزنش می‌رهاند و بس.

امام نووی رحمه الله می‌گوید: «شایسته است که بعد از استخاره، آنچه را برایش انشراح صدر می‌شود انجام دهد.[1] لذا شایسته نیست با تکیه بر شرح صدری که پیش از استخاره بوده است و مطابق میل و خواسته‌ی نفس اوست، آن را انجام دهد، بلکه بجاست استخاره کننده انتخاب خودش را رها سازد؛ اگر چنین نکند به او استخاره کننده گفته نمی‌شود. بلکه می‌توان گفت که در طلب خیر و در تبرا از علم و قدرت خود و اثبات آن دو برای خدا، صادق نبوده است؛ زیرا اگر در آن صادق می‌بود از حول و قوه و انتخاب خود برائت می‌جست و به حول و قوه‌ی الهی پناهنده و متوسّل می‌شد.»[2]

مکحول می‌گوید: از ابن عمر رضی الله عنهما شنیدم که می‌فرمود: «انسان از خداوند طلب خیر می‌کند؛ خداوند هم برای او خیر را انتخاب می‌کند؛ اما اثر آن خیر، اگر اندکی با تأخیر نمایان می‌شود و انسان اظهار ناراحتی و ناخرسندی می‌کند، ولی دیری نمی‌پاید که حاصل آن را خیر می‌یابد».

عمر رضی الله عنه می‌فرماید: من از این نگران نیستم که به چه وضعیتی بامداد را آغاز کنم، طبق آنچه می‌پسندم یا آنچه که نمی‌پسندم؛ زیرا من نمی‌دانم خیر در آن است که من دوست دارم، یا در آن است که من دوست ندارم؛

---

۱ ـ شیخ کمال الدین محمد بن علی الزملکانی متوفای سال ۷۷۱ هـ.ق. در *طبقات الشافعیة الکبریٰ* ص ۲۰۶ می‌گوید: هر گاه انسان دو رکعت نماز بخاطر انجام کاری خواند، بعد از آن هر چه برایش پیش آمد، انجام دهد؛ چه انشراح صدر حاصل شود و چه حاصل نشود؛ زیرا در آن خیر است، گرچه انشراح حاصل نشود؛ چراکه در حدیث چیزی درباره‌ی انشراح صدر نیامده است.

۲ ـ *فقه السنة*، ج ۱، ص ۱۷۹

هنگامی که از خداوند طلب خیر می‌کنم پس از آن نگران نیستم که آن کار صورت گیرد یا صورت نگیرد.

پاره‌ای از آداب و شرایط قبولی دعا[۱]

استخاره گونه‌ای دعاست، و قبولی آن نیز شرایط و آداب خاصی دارد؛ نخستین‌شرط آن این‌است که استخاره کننده تلاش‌کند از روزی حلال بخورد.

در روایات زیادی آمده است هر کس که خورد و نوش او از راه حرام به دست آمده باشد به دعای او توجهی نمی‌شود. حضرت ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: هان! ای مردم! بدانید که خداوند پاک و پاکیزه است و جز پاکی و پاکیزگی چیزی دیگر را نمی‌پذیرد. خداوند مؤمنان را به همان چیزی فرمان داده است که پیامبران را بدان فرمان داده و فرموده است:

﴿یا ایها الرسل کلوا من الطیبات واعملوا صالحاً إنّی بما تعملون علیم﴾[۲]

«ای پیغمبران! از چیزهای پاکیزه بخورید و کارهای شایسته انجام دهید، بی‌گمان من از آنچه انجام می‌دهید آگاهم.»

﴿یا أیها الذین أمنوا کلوا من طیّبات ما رزقناکم و اشکروالله إن کنتم إیّاهُ تعبدون»[۳]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهای پاکیزه‌ای بخورید که روزی شما کرده‌ایم و سپاس خدای را بجا آورید، اگر او را پرستش می‌کنید.»

۱- برای اطلاع بیشتر به کتاب *نقش دعا و نیایش در زندگی انسان* نوشته‌ی مترجم مراجعه شود.

۲- سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۵۱ ۳- سوره‌ی بقره آیه‌ی ۱۷۲

«سپس درباره‌ی کسی سخن گفت که به سفر طولانی رفته است و با سر و صورتی ژولیده و غبار آلود، دست به سوی آسمان بلند می‌کند و **یارب، یارب** می‌گوید؛ در حالی که خوراک، نوشیدنی‌اش و پوشاکش از حرام بوده است و اصلاً با حرام پرورش یافته است؛ پس چگونه دعایش قبول می‌شود!»(۱)

حافظ ابن رجب حنبلی می‌گوید: پیامبر خدا ﷺ در این حدیث به آداب دعا و اسبابی که باعث اجابت و یا مانع از اجابت دعا می‌شود، اشاره فرموده است؛ حضرت چهار عامل از عوامل اجابت دعا را در آن حدیث بیان فرموده است: ۱ـ طولانی شدن سفر، چرا که سفر، خود جایگاه اجابت دعاست؛ در این باره ابوهریره رضی الله عنه از رسول اکرم ﷺ نقل می‌کند:

«ثلاث دعوات مستجابات لا شك فيهنّ! دعوة المظلوم، و دعوة المسافر، و دعوة الوالد لولده»

«سه گونه دعاست که حتماً مستجاب خواهد شد و در اجابت آن هیچ شکی نیست؛ دعای مظلوم، دعای مسافر و دعای پدر در حق فرزندش.»

پس هر گاه سفر طولانی شود، امکان اجابت دعا بیشتر خواهد شد؛ چرا که غربت طولانی و فاصله‌ی زیاد از خانواده، موجب دل شکستگی و تاب و تحمل دشواری‌ها و فشارهای بسیار می‌شود. دل شکستگی از بزرگ‌ترین عوامل اجابت دعاست. از این رو هر گاه پیامبر خدا ﷺ برای نماز و دعای استسقاء بیرون می‌رفت، با حالتی فروتنانه و ژولیده و

۱ـ درجه‌ی حدیث حسن است و *ابوداود*، *ترمذی*، *ابن ماجه*، *احمد*، *بخاری* آن را روایت کرده‌اند.

متواضعانه می‌رفت؛[۱] همچنین چادر خویش را از یک رو به روی دیگر برمی‌گرداند تا بدین وسیله نهایتِ فروتنی و کرنش خویش را در برابر پروردگارش به نمایش گزارد.

پیامبر خداﷺ فرموده است:

«و هل تُنْصَرون و تُرْزَقون إلا بضعفائكم»[۲]

«مگر غیر از این است که شما با ناتوانان و درماندگانتان یاری می‌شوید و روزی داده می‌شوید»؟

رسول اکرمﷺ به ابوذرؓ فرمود:

«وصل على الجنائز لعل ذلك يحزنك فان الحزين في ظل الله»[۳]

«ای ابوذر! بر جنازه‌ها نماز بگزار، شاید این کار تو را غمگین سازد؛ زیرا که انسان غمگین زیر سایه‌ی خداست.»

خداوند فرموده است:

﴿و لقد نصركم الله ببدر و أنتم أذلّة فاتقوا الله لعلكم تشكرون﴾[۴]

«خداوند شما را در بدر پیروز گردانید و حال آنکه (نسبت به کافران) ناچیز (و از ساز و برگ اندکی برخوردار) بودید، پس از خدا بترسید تا شکر (نعمت او را بتوانید) به جای آورید.»

خداوند در سوره‌ی انفال فرموده است:

۱- *صحیح بن حبان* (۲۸۶۲) حافظ ابن حجر در *فتح الباری*، ج ۱۱، ص ۱۴۳، آن را حسن دانسته است.

۲- *بخاری*، شماره‌ی (۲۶۲۲).

۳- احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۱۵۲. عراقی می‌گوید: سند حدیث جید است.

۴- سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۲۳

﴿و اذكروا إذا أنتم قليل مستضعفون فى الأرض تخافون أن يتخطّفكم الناس فآواكم و ايّدكم بنصره و رزقكم من الطيبات لعلكم تشكرون﴾ (۱)

«(ای مؤمنان) به یاد آورید هنگامی راکه شماگروه اندك و ضعیفی در سرزمین (مکه) بودید و می‌ترسیدید که مردم شما را بربایند، ولی خدا شما را (در سرزمین مدینه) پناه داد و باکمك و یاری خود، شما را (در جنگ بدر پیروزگردانید و) نیرو بخشید و غنایم پاکیزه‌ای بهره‌ی شماکرد تا اینکه سپاسگزاری کنید.»

بدین گونه، آن گروه اندک و تضعیف شده، بخاطر تواضع و فروتنی و دل شکستگی توانستند به عزت و نصرت و رزق و روزی دست یابند. لذا گفته شده است که پوشش عزت و نصرت و بخشش‌ها، تنها شایسته‌ی فروتنان و دل شکستگان است. بی‌گمان گناهی که باعث خضوع و فروتنی انسان در برابر خدا شود، محبوب‌تر از طاعتی است که انسان را به ناز و کرشمه و تظاهر وا دارد؛ چون شکست، نصیب کسی می‌شود که به طاعت خویش فخر فروشی و تظاهر کند. خداوند منان می‌فرماید:

﴿لقد نصركم الله فى مواطن كثيرة و يوم حُنين إذاعجبتكم كثرتكم فلم تغن عنكم شيئاً و ضاقت عليكم الأرض بما رحبت ثمّ ولّيتم مدبرين﴾ (۲)

«خداوند شما را در مواقع زیادی یاری کرد و (به سبب نیروی ایمان بر دشمنان پیروزگرداند و از جمله) در جنگ حنین که شما به‌کثرت خود و قلت دشمنان مغرور شدید و خداوند شما را در اوایل امر به خود رهاکرد و دشمنان بر شما چیره شدند) بدانگاه که فزونی خودتان شما را به اعجاب انداخت (و فریفته و مغرور انبوهی لشکر شدید) ولی لشکریان فراوان اصلاً به کار شما نیامدند

۱ - سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۲٦

۲ - سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۲۵

(و گره از کارتان نگشادند) و زمین با همه‌ی وسعت خویش بر شما تنگ شد و از آن پس پشت کردید و پای به فرار نهاید.»

۲ـ عامل دوم: ژولیدگی شکل و ظاهر و باگرد و غبار آلوده شدن؛ این حالت نیز نشانه‌ی اجابت دعاست؛ چنانکه از رسول‌اکرم ﷺ نقل شده است:

«رب أشعث أغبر ذی طمرین مدفوع بالأبواب لو أقسم علی الله لأبره»(۱)

«چه بسا انسان ژولیده و غبارآلود و ژنده‌پوش و رانده شده از درها، اگر بر خداوند سوگند یاد کند، حتماً خداوند سوگندش را نافذ خواهد کرد.»

۳ـ عامل سوم: دست‌ها را به سوی آسمان برافراشتن و بدینوسیله ابراز نیاز کردن؛ که این‌عمل‌از آداب دعاست و باعث امیدواری‌اجابت آن می‌شود.

حضرت سلمان رضی الله عنه از رسول اکرم ﷺ نقل می‌کند:

«إن الله تعالی حَییٌ کریم یستحی إذا رفع الرجل الیه یدیه أن یردهما صفراً خائبتین»(۲)

«بی‌شک خداوند بسیار با حیا و بخشنده است؛ هرگاه بنده‌ای دست‌هایش را به سوی او دراز کند، شرمش می‌آید که آنها را دست خالی و ناکام برگرداند.»

۴ـ عامل چهارم: پافشاری و تکرار ربوبیت پروردگار؛ این کار از بزرگترین عوامل اجابت دعاست و بهترین وسیله‌ای که می‌توان با آن به اجابت دعا رسید. اما این سخن پیامبر خدا ﷺ که می‌فرماید:

«فأنّی یستجاب لذلك» «پس چگونه دعایش قبول می‌شود!»

۱ـ مسلم (۲٦۲۲)؛ *ابن حبان* (٦۴۸۳).

۲ـ *صحیح سنن ترمذی* (۳۸۰۹)؛ *ابوداود*؛ *امام احمد*؛ *ابن ماجه*.

استفهام، از روی تعجب و بعید دانستن امر، واقع شده است؛ محال بودن اجابت دعا و ممنوعیت کامل آن از این سخن به دست نمی‌آید. فقط این مسئله از آن برداشت می‌شود که زیاده‌روی در حرام و تغذیه از آن، از جمله موانع اجابت دعاست؛ چرا که دعای کافر و فاجرِ مظلوم گاهی قبول می‌شود. در روایت آمده است که خداوند دعای مظلوم را، گرچه کافر باشد، رد نمی‌کند.

وقتی که شیطان از خداوند درخواست کرد که او را مهلت دهد، خداوند دعایش را پذیرفت. در قرآن می‌فرماید:

﴿قال أنظرنی الیٰ یوم یبعثون قال انك من المنظرين﴾ (۱)

«(اهریمن) گفت: مرا تا روزی مهلت ده که (مردمان) برانگیخته می‌گردند؛ خداوند فرمود: تو از زمره‌ی مهلت یافتگانی.»

همچنین خداوند خبر داده است که حتی درخواست مشرکان برای رهایی از ضرر و گرفتاری، پذیرفته می‌شود. اما آنان بعد از رهایی دوباره از پروردگارشان رویگردان می‌شوند و به شرکشان باز می‌گردند. خداوند می‌فرماید:

﴿فاذا ركبوا فی الفلك دَعوُا الله مخلصين له الدين فلما نجـاهم إلى البر إذا هم يشركون﴾ (۲)

«هنگامی که (مشرکان) سوار کشتی می‌شوند (و ترس و نگرانی بدیشان دست می‌دهد) خالصانه خدا را به فریاد می‌خوانند، سپس هنگامی که خدا آنان را نجات داد و سالم به خشکی رساند، باز ایشان شرک می‌ورزند.»

از این موارد در قرآن فراوان است.

۱ـ سوره‌ی اعراف، آیات ۱۵ ـ ۱۴

۲ـ سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۵

در حدیث اشاره شده که زیاده‌روی در خوردن و نوشیدن و پوشاک و تغذیه از حرام، مانع اجابت دعا می‌شود و درهای آسمان را در برابر بنده می‌بندد. خداوند وهب‌بن منبه را مرحمت کند که چه زیبا فرموده است:

«مَنْ سرّه أن يستجيب الله له دعوته فليطب طعمته»

«هر کس که دوست دارد خداوند دعایش را قبول کند، پس باید تلاش کند که غذایش حلال و پاک باشد.»

عبدالله بن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: این آیه نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم تلاوت شد:

﴿يا أيها الناس كُلُوا ممّا في الأرض حلالاً طيّباً﴾ (۱)

«ای مردم! از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید.»

حضرت سعدبن أبی وقاص رضی الله عنه برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از خداوند بخواه که مرا مستجاب الدعاء قرار دهد؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای سعد! غذایت را پاکیزه و حلال گردان، آن وقت مستجاب الدعاء خواهی شد. قسم به ذاتی که جان محمد در دست اوست، یقیناً بنده‌ای که لقمه‌ی حرام را به درون شکم خود داخل می‌کند و با آن تغذیه می‌کند، تا چهل روز از او هیچ عملی پذیرفته نمی‌شود و بنده‌ای که گوشت او از راه حرام رشد کرده و پرورش یافته است، به آتش جهنم سزاوارتر است.» (۲)

بایستی به این نکته‌ی ظریف اندیشید که آدمی لقمه‌ای به شکمش فرو می‌برد ـ و می‌دانیم که در شکم هیچ چیز پایدار نمی‌ماند و زود از آن

۱- سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۶۵

۲- ابن کثیر در تفسیر آیه‌ی ۱۶۸ از سوره‌ی بقره، آن را ذکر کرده است و هیچ توضیحی درباره‌اش نداده است، هیثمی در *مجمع الزوائد*، ج ۱، ص ۲۹۱ ذکر کرده و افزوده است که طبرانی آن را در *المعجم الصغیر* روایت کرده است و در سندش کسی است که او را نمی‌شناسم.

خارج می‌شود ـ ولی از ثمره‌ی دعا و قبولی اعمالش محروم می‌شود. چه بسا یک لحظه شهوت‌پرستی، اندوهی طولانی را به بار خواهد آورد.

یقین و حضور قلب

حضور قلب از شرایط قبولیت دعاست. عبدالله بن عمر رضی الله عنه می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرموده است:

«القلوب أوعية و بعضها أوعىٰ من بعض، فاذا سألتم الله عز و جل يا أيها الناس فاسألوه و أنتم موقنون بالإجابة، فإن الله لا يستجيب لعبد دعاه عن ظهر قلب غافل»(۱)

«قلب‌ها بسان ظروف هستند، برخی از برخی دیگر دریابنده‌تر و باظرفیت‌ترند. ای مردم! هرگاه از خداوند چیزی طلب کردید، آن را در حالتی مسئلت کنید که به اجابت آن یقین دارید؛ زیرا خداوند دعای بنده‌ای را که با قلبی غافل درخواست کند، اجابت نمی‌کند.»

در حدیثی دیگر فرموده است:

«ادعوا الله تعالىٰ و أنتم موقنون بالإجابة و اعلموا أن الله لا يستجيب دعاء من قلب غافلٍ لاه»(۲)

«از خداوند طلب کنید و او را به فریاد خوانید، در حالی که به اجابت خواسته‌تان یقین دارید و بدانید که خداوند دعایی راکه از قلبی غافل و مشغول و پریشان برخاسته باشد، قبول نمی‌کند.»

---

۱ ـ به روایت احمد، ج ۲، ص ۱۷۷؛ در سند حدیث عبدالله بن لهیعة است، اما حدیث با شواهد، قابلِ قبول است. مترجم

۲ ـ *صحیح سنن ترمذی*، شماره‌ی (۳۷۲۵)؛ *سلسلة الأحاديث الصحيحة* (۲۵۹۴)؛ *صحيح الجامع الصغير* (۲۴۵).

زمان اجابت دعا

لازم است استخاره کننده یا دعا کننده، اوقاتی را برای دعا انتخاب کند که در آن احتمال اجابت بیشتر است، مانند ثلث اخیر شب، همان لحظه‌ای که خداوند سبحان در آن بر بندگان فریاد می‌زند و می‌فرماید:

﴿من يدعوني فأستجيب له و من يسألني فأعطيه و من يستغفرني فأغفر له﴾[۱]

«آیا کسی هست مرا فرا خواند تا خواسته‌ی او را اجابت کنم؟ و آیا کسی هست که از من سؤال کند تا به او عطا کنم؟ و آیا کسی هست که از من آمرزش بطلبد و من او را ببخشایم؟»

پیامبر خدا ﷺ فرموده است:

«صلاة الليل مثنى مثنى وجوف الليل الآخر أجوب دعوة»[۲]

«نماز شب دو رکعت دو رکعت است و بخش آخر شب، بهترین لحظه‌ی قبول دعاست.»

همچنین از جمله اوقاتی که دعا در آن قبول می‌شود، فاصله‌ی بین اذان و اقامت است.

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

«الدعاء لا يُرَدُّ بين الأذان و الإقامة»[۳]

«دعا در فاصله‌ی بین اذان و اقامت رد نمی‌شود.»

۱- *بخاری*، شماره‌ی (۶۳۲۱)

۲- *آلبانی*، *سلسلة الاحاديث الصحيحة* (۱۹۱۹)

۳- صحیح سنن ترمذی (۲۱۱۲) و صحیح سنن أبی داود (۵۴۳)

علامه ابن قیمﷺ، آداب و اوقاتی را که دعا در آن قبول می‌شود به زیبایی بیان کرده است:

«دعا وقتی با حضور قلب بوده و قلب بکلی متوجه مطلوب باشد و با یکی از اوقات اجابت همزمان باشد، مثلاً ثلث اخیر شب، هنگام اذان، فاصله‌ی بین اذان و اقامه و در قسمت آخر نمازهای فرض، بعد از تشهد و پیش از سلام؛ لحظه‌ی بالا رفتن امام بر منبر در روز جمعه تا پایان نماز. همچنین آخرین ساعت بعد از عصر روز جمعه، دعا در ضمن با خشوع همراه باشد و دعاکننده با فروتنی و تواضع و تضرع و رقت قلب در برابر پروردگار بایستد و رو به قبله و با وضو باشد، دست‌هایش را به سوی خدای عز و جل بلند کند و دعایش را با حمد و ثنای پروردگار آغاز کند، سپس درود و صلوات بر محمدﷺ بفرستد و پیش از عرضه‌ی نیاز خویش، توبه و استغفار را مقدم کند و سپس متوجه خدا شود و با اصرار و خواهش از او مسئلت کند، در قلبش رغبت و رهبت وجود داشته باشد. به اسمای حسنیٰ و صفات عالیه‌ی خداوند تمسک حسبة و به توحید و یگانگی‌اش، توسل جوید و پیش از دعا صدقه‌ای تقدیم کند؛ چنین دعایی بطور یقین مستجاب خواهد شد.»(۱)

آیا دعای استخاره هفت بار تکرار می‌شود؟

روایتی صحیح درباره‌ی تکرار دعای استخاره، از پیامبر اکرمﷺ به ما نرسیده است؛ در این باره تنها حدیث انسﷺ است که رسول خداﷺ به او فرمود: ای انس! هر گاه تصمیم گرفتی کاری انجام دهی، هفت بار از پروردگارت طلب خیر کن؛ سپس به آنچه که در قلبت پدیدار می‌شود، بنگر که بی‌شک خیر در همان است.

۱ـ *الجواب الکافی لمن سأل عن الدواء الشافی*

حافظ ابن حجر‌رحمه‌الله در *فتح الباری* می‌گوید: اگر صحت این روایت ثابت می‌شد، قطعاً در این باره حجت می‌بود؛ اما کاملاً بی‌اساس و مجهول است.[۱]

درست آن است که انسان نمی‌تواند بگوید تکرار دعای استخاره، سنت است، اگر هم مستحب نباشد، حداقل مباح است؛ چراکه استخاره گونه‌ای دعاست و تکرار دعا نوعی اصرار ورزیدن است و اصرار ورزیدن در دعا امری پسندیده و از سوی شارع بر آن تشویق و تأکید شده است. خداوند کسانی را که با اصرار و پافشاری دعا می‌کنند، دوست می‌دارد. اصرار ورزیدن بیانگر فروتنی و زبونیِ عبودیت در برابر عزت ربوبیت است، آن هم بدون تعیین عدد به هفت، تا بدون دلیل شرعی، عدد مشخصی تعیین نشود.

درباره‌ی تکرار دعا از پیامبر خدا‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم روایت شده است که هر گاه دعا می‌کرد آن را سه بار تکرار می‌کرد.

امام بخاری‌رحمه‌الله در کتاب ارزشمند خویش بابی به نام «باب تکریر الدعاء» دارد و از عایشه (رضی‌الله‌عنها) روایت می‌کند که گفت: پیامبر‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم سحری خورد و سپس دعا کرد و دعا کرد؛ یعنی دعا را تکرار کرد[۲]

در روایت مسلم نیز آمده است: «فدعا ثم دعا ثم دعا»؛ یعنی سه بار دعا را تکرار کرد؛ باز در مسلم آمده است که آن حضرت بر مشرکانی که قاریان (قراء) را به قتل رسانده بودند یک ماه در قنوت نماز صبح دعا کرد، تا این آیه نازل شد:

۱- رک: *ابن حجر*، *فتح الباری*، ج ۱۱، ص ۱۹۱.
۲- *فتح الباری*، ج ۱۱، ص ۱۹۶

﴿لیس لك من الأمر شيء أو يتوب عليهم أو يعذبهم فإنهم ظالمون﴾[1]

«چیزی از کار (بندگان در) دست تو نیست (بلکه همه‌ی امور در دست خداست، چون تنها اوست که) یا توبه‌ی آنان را می‌پذیرد یا ایشان را شکنجه می‌دهد، چراکه آنان ستمگرند.»

عبدالله بن مسعودؓ می‌گوید: رسول اکرمﷺ از اینکه دعا را سه بار تکرار کند و سه بار استغفار گوید، خوشش می‌آمد و از این کار خرسند می‌شد.[2]

امام مسلم روایت می‌کند که: عبدالله بن زبیرؓ وقتی که خواست کعبة را تخریب و آن را بر اساس بنای ابراهیمی بازسازی کند، با همراهان خویش مشورت کرد. وقتی که با آنان در این خصوص به توافق نرسید، گفت: اگر خانه‌ی یکی از شما دچار آتش‌سوزی شود، تا دوباره آن را بازسازی نکند، آرام نمی‌گیرید، پس چطور این را برای خانه‌ی پروردگارتان می‌پسندید؛ لذا من سه بار از پروردگارم طلب خیر می‌کنم (یعنی سه بار استخاره و دعا می‌کنم)، بعد از آن بر اجرای تصمیم خویش عزم را جزم می‌کنم. وقتی که سه بار استخاره تمام شد، تصمیم قطعی بر تخریب بیت گرفت.[3]

عمل عبدالله بن زبیرؓ دلالت بر جواز تکرار استخاره تا سه روز دارد؛ بویژه در مسایل مهمی همچون تخریب بیت. در حدیثی که پیش

۱ـ سوره‌ی آل عمرا، آیه‌ی ۱۲۸

۲ـ *ابوداود*، شماره‌ی (۱۵۲۴)، کتاب الصلوة، باب الاستغفار. سندش حسن است.

۳ـ *مختصر مسلم*، ص ۲۰۲، شماره‌ی ۷۷۱

از پیامبرﷺ گذشت که دعا را سه بار تکرار می‌کرد، دلیل آن است که می‌توان در یک وقت سه بار دعا را تکرار کرد.

این مطلب هم گذشت که آن حضرت بر یکی از قبایل عرب، یک ماه دعا را در قنوت نماز صبح تکرار می‌کرد.[۱] والله اعلم.

دلایلی که درباره‌ی تکرار دعا تا سه مرتبه ذکر شد، دلایلی عمومی است که شامل استخاره و دعاهای دیگر می‌شود این سخن راوی نیز بر این دلالت می‌کند که او سه روز استخاره کرد.

باز اگر تکرار دعا بدعت می‌بود حتماً آن دسته از صحابه‌ رضی الله عنهم که همراه او بودند، اعتراض می‌کردند.

دعای استخاره در نماز است یا پس از آن؟

از رسول اکرمﷺ کیفیتی مشخص در این مورد روایت نشده است که ما بدانیم دعای استخاره در نماز است یا پس از آن.

برای اثبات آن فقط حدیث امام بخاری است، این موضوع به چندین طرق روایت شده که اما قوی‌ترین آن، سند بخاری است.

از این رو درباره‌ی مکان دعا اختلاف نظر پدید آمده است، که آیا در داخل نماز است یا پس از نماز. به نظر ما درست‌تر آن است که بعد از فراغت از نماز دعا کند. بخاطر حرف «ثم» که در زبان عرب به معنای تأخیر و تراخی می‌آید؛ همانطور که علامه شوکانی در ***نیل الاوطار*** آن را بررسی کرده است.

۱- *فتح الباری*، ج ۱۱، ص ۱۹۷

اما اگر در نماز یا بعد از فراغت آن، دعا کند هر دو صورت جایز است و مانع شرعی ندارد.

رسول خداﷺ هر گاه دعا می‌کرد، سه بار آن را تکرار می‌کرد. اگر استخاره‌کننده، دعای استخاره را در نماز و یا بعد از فراغت از نماز آن را تکرار کرد، از دیدگاه شریعت در این خصوص هیچ مانعی وجود ندارد.

از شیخ الاسلام، امام ابن تیمیه رحمه الله، درباره‌ی دعای استخاره پرسیده شد که آیا در داخل نماز است یا بعد از سلام دادن؟ پاسخ داد: دعا در نماز، پیش از سلام و بعد از سلام جایز است؛ اما دعا پیش از سلام افضل است، چرا که اکثر دعاهای پیامبرﷺ در نماز پیش از سلام بوده است، نمازگزار قبل از سلام تا زمانی که از نماز انصراف نداده و نرفته و دعا کند بهتر است.(۱)

این سخن شیخ الاسلام که می‌گوید: «دعا پیش از سلام بهتر است» جای سؤال دارد؛ چرا که ثابت شده است رسول اللهﷺ در نماز، قبل از سلام و بعد از سلام، دعا می‌کرده است.(۲)

۱- مجموع *الفتاوی*، ج ۲۳، ص ۷۷

۲- رک: *فتح الباری*، ج ۱۱، ص ۱۳۲؛ *زاد المعاد*، ج ۱ ص ۲۵۷.

دعای استخاره

حضرت جابر رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه وسلم استخاره را در تمام امور همانند سوره‌ای از قرآن به ما آموزش می‌داد و می‌فرمود: هرگاه کسی از شما تصمیم به انجام کاری گرفت، بایست دو رکعت نماز نفل (سنت) بگزارد. سپس چنین دعا کند:

«أللهم إنی أستخيرك بعلمك و أستقدرك بقدرتك و أسألك من فضلك العظيم، فانك تقدر و لا أقدر، و تعلم و لا أعلم، و أنت علاّم الغيوب، أللهم إن كنت تعلم أن هذا الأمر خيرلی فی ديني و معاشی و عاقبة امری؛ أو قال: فی عاجل أمری و آجله، فأقدره لی، و إن كنت تعلم أن هذا الامر شرلی فی دينی و معاشی و عاقبة أمری؛ أو قال: فی عاجل أمری و آجله، فاصرفه عنی و اصرفنی عنه، و أقدر لی الخير حيث كان، ثم رضّنی به ويسمی حاجته...»[1]

«بارالها! من با علم تو از تو خیر طلب می‌کنم و با قدرت تو از تو طلب قدرت می‌کنم و از لطف بزرگ تو مسئلت می‌کنم؛ چون تو توانایی و من ناتوانم و تو می‌دانی و من نمی‌دانم و تو داننده‌ی غیب‌ها هستی. بارالها! اگر تو می‌دانی که این امر سبب خیر دین و دنیا و عاقبت امرم می‌شود ـ یا بگوید: سبب خیر زود هنگام یا مایه‌ی خیر در آینده می‌شود ـ پس آن را برایم مقدر و میسر گردان. اگر

---

۱ ـ صحیح بخاری، به نقل از: ابن حجر، *فتح الباری*: ج ۱۱، ص ۱۸۷، شماره ۶۳۸۲

می‌دانی که این امر سبب ضرر و زیان در دین و زندگی و عاقبت امرم می‌شود ـ یا بگوید: اگر سبب شر در امورم در حال حاضر یا در آینده می‌شود ـ پس لطف بفرما و آن را از من دور ساز و من را از آن دور کن و خیر را هر طور که باشد، برایم میسر گردان؛ سپس مرا به آن خشنود گردان. و [آنگاه] نیاز خویش را بیان کند.»

استخاره از باب استفعال است؛ به معنی خواستار خیر شدن، یا از «الخِیرَةُ» گرفته شده و اسم مصدر است، مثل جمله «**خار الله له أو استخار الله**» یعنی از خداوند خیر خواستار شد. «**خارالله له**»؛ یعنی خداوند به او آنچه راکه برایش مایه‌ی خیر بود عطا کرد، (منظور خواستار شدن است). بحث استخاره در حدیث سعد بن أبی وقاص رضی الله عنه نیز آمده است و آن را به صورت مرفوع روایت کرده است و می‌گوید: «**من سعادة**[1] **بن آدم استخارته لله**»[2]؛ از سعادت آدمیزاد این است که از خداوند برای خود خیر طلب کند.

منظور از «**في الأمور كلها**» چیست؟ ابن أبی جمرة می‌گوید: این عبارت عام است و منظور از آن خاص می‌باشد؛ چرا که در انجام واجب و مستحب استخاره نمی‌شود و در ترکِ حرام و مکروه استخاره لازم نیست؛ پس مسئله منحصر به مباح می‌شود.

اگر دو مستحب با هم تعارض پیدا کردند که کدام یک را شروع کند و تنها به آن اکتفا کند، در این حالت استخاره شامل آن مستحبی می‌شود که اختیاری باشد و زمانش نیز وسیع و گسترده باشد.

---

۱ ـ صحیح بخاری به نقل از: ابن حجر، *فتح الباری*، ج ۱۱، ص ۱۸۷، شماره ۶۳۸۲

۲ ـ امام احمد، سندش حسن است.

علامه شوکانی رحمه الله می‌گوید: این سخن حضرت جابر رضی الله عنه که می‌گوید: «**فی الامور کلها**»؛ بر «عموم» دلالت می‌کند، چرا که انسان مسلمان امری را به خاطر کوچک بودن و کم اهمیت بودنش، کم ارزش حساب نمی‌کند و استخاره کردن درباره‌ی آن را رها نمی‌کند. چه بسا امری کم ارزش است و به چشم نمی‌آید، اما ممکن است در انجام آن زیان‌های بزرگی نهفته است.

چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «**لیسأل أحدکم ربه حتی فی شسع نعله**»؛ حتی بند کفشتان را از پروردگارتان مسئلت کنید. حضرت جابر رضی الله عنه نقل می‌کند: «**کالسورة من القرآن**»؛ پیامبر همانند سوره‌ای از قرآن، استخاره را به ما آموزش می‌داد. طیبی می‌گوید: در این جمله اشاره است که به دعا و نماز توجه کامل و تمام شود. ابن أبی جمره می‌گوید: منظور از تشبیه استخاره به قرآن این است که حروف و ترتیب کلمات آن مراعات شود و نیز افزودن به آن و کاستن از آن ممنوع است و در محافظت آن بایستی توجه شود.

احتمال دارد تشبیه آن به قرآن، بدین خاطر باشد که هر دوی آنها از طریق وحی به دست آمده‌اند. «**اذاهمّ**» این جمله اشاره به این نکته دارد که نخستین چیزی که به قلب انسان وارد می‌شود، لازم است درباره‌اش استخاره شود؛ چرا که به برکت نماز و دعا، جنبه‌ی خیر آن برایش نمایان می‌شود؛ برخلاف مسئله‌ای که نزد او قوت گرفته و عزم او هم درباره‌ی آن جزم شده است، زیرا دوستی و علاقه‌ی او به آن کار بیشتر می‌شود و ممکن است به خاطر میل و علاقه‌ی قلبی به آن، جنبه‌ی خیریت در آن مخفی مانده باشد.

احتمال دارد که منظور از «همّ» عزیمت باشد؛ زیرا آنچه در دل می‌گذرد (خاطر) پایدار نمی‌ماند. تنها چیزی ثابت و پایدار می‌ماند که عزم

بر انجامش جزم شده باشد. اگر چنین نبود، در ایجاد هر خاطری -بی‌ارزش -استخاره خواهد کرد و بدین گونه وقت خویش را تلف خواهد کرد؛ چنان که در حدیث عبدالله بن مسعود آمده است: «إذا أراد أحدكم أمراً فليقل»؛ «هر گاه یکی از شما تصمیم انجام کاری را گرفت باید بگوید.»

«فليركع ركعتين» این جمله‌ی مطلق، حدیث ابوایوب را مقید می‌کند، در حدیث ابوایوب آمده: «وَصَلِّ مَا كَتَبَ الله لك» «هر اندازه خدا برایت میسر کرده است نماز بگزار.» اگر از دو رکعت بیشتر خواند، جایز است. در ضمن دو رکعت دو رکعت بگزارد و بعد از دو رکعت سلام دهد. ابن ابی جمره می‌گوید: حکمت تقدیم نماز بر دعا این است که فلسفه‌ی استخاره، بدست آوردن خیر دنیا و آخرت است و این امر، مستلزم توسل به درگاه پروردگار است و در این خصوص چیزی مفیدتر و کامرواتر از نماز نیست. افزون بر آن، خود نماز بهترین جایگاه دعاست، بخصوص سجده و تشهد، دو جایگاه بسیار پسندیده برای قبولیت دعا هستند.

حکم استخاره و زمان شروع آن

از آنچه گذشت، معلوم شد که استخاره سنت استحبابی است و از رسول اکرم ﷺ ثابت و از جمله سنت‌های گفتاری (قولی) است و محدود به زمان و مکانی نیست، بلکه هر گاه بنده به آن نیاز پیدا کرد می‌تواند به انجام آن اقدام کند.

نویسنده‌ی کتاب *فقه العبادات* می‌گوید: هر گاه تصمیم گرفتی وارد کاری از کارهای مباح شوی، مانند تجارت، یا تقبل مسئولیت یا سفر و... و خیر و شر آن برایت روشن نشده بود و نمی‌دانستی که، اقدام تو سبب خیر

است یا نه؟ در این صورت سنت آن است که استخاره کنی، تصمیم خویش را با پروردگارت در میان بگذاری و از خداوند بخواهی که خیر را برایت برگزیند و تو را درباره‌ی آن شرح صدر دهد. بعد از انجام استخاره بنگر، اگر قلبت را به چیزی علاقه‌مند دیدی که برای آن استخاره کرده بودی به انجام آن همت کن و اگر دیدی که خداوند نسبت به آن در قلبت نفرت و کراهیت ایجاد کرده و نسبت به آن متنفر شده‌ای، رهایش کن، چون که در آن خیری نیست.

ناگفته نماند که استخاره مشروط به آن است که فرد در انتخاب امری، دچار آشفتگی و سرگردانی شده باشد تا استخاره کند. بلکه برای هر امری می‌تواند استخاره کند؛ چرا که در حدیث آمده است:

«اذا همّ احدکم بالامر فلیصل» «هر گاه یکی از شما تصمیم به انجام کاری گرفت، باید نماز بگزارد.» در اینجا نفرموده که هر گاه یکی از شما در انجام کاری پریشان و دو دل شد، نماز بگزارد. امام نسایی در کتاب خویش چنین بابی دارد:

«باب صلاة المرأة اذا خطبت و استخارتها ربها»؛ «بابی درباره‌ی نماز زن وقتی که از او خواستگاری می‌شود و استخاره‌ی او در این باره از پروردگارش.»

در این خصوص حدیثی از انس روایت می‌کند که می‌گوید: وقتی که عده‌ی زینب تمام شد، رسول اکرم ﷺ به زید رضی الله عنه فرمود: ای زید! برو پیش زینب و نزد او یادی از من کن (برای من از او خواستگاری کن)؛ زید می‌گوید: رفتم و گفتم: ای زینب، تو را مژده باد! رسول اکرم ﷺ مرا فرستاده است و از تو خواستگاری می‌کند. زینب رضی‌الله عنها پاسخ داد: تا زمانی که با پروردگارم مشورت نکنم، هیچ کاری انجام نمی‌دهم؛ برخاست و

سوی نمازخانه‌اش رفت؛ بعد از آن درباره‌ی او قرآن نازل شد.[۱]

زینب (رضی‌الله‌عنها) یقین کامل دارد که خیر کامل و شرف و عزت در ازدواج با پیامبر خداﷺ است و این امری آشکار و روشن است و هیچ‌کس درباره‌ی آن شکی ندارد؛ با وجود این می‌گوید: من تا زمانی که با پروردگارم مشورت نکنم اقدام به کاری نمی‌کنم. امام نووی می‌گوید: از این موضوع استنباط می‌شود که هرگاه تصمیم به انجام کاری گرفت، چه آن کار به ظاهر خیر بود یا نه، مستحب است که نماز استخاره بگزارد. در این باره به این سخن رسول اکرمﷺ استدلال می‌کند که می‌فرماید: **«إذا هم أحدكم بالامر فليركع ركعتين من غير الفريضة»**؛ «هرگاه کسی از شما تصمیم گرفت کاری انجام دهد باید دو رکعت نماز نفل بگزارد.»

گاه در انجام کاری که فرجام خوشی ندارد، شرح صدر و اطمینان و علاقه ایجاد می‌شود. با استخاره از خداوند می‌خواهی که خیر را برای اکنون و آینده و دنیا و آخرتِ تو برگزینند، چون ﴿**والله يعلم و انتم لاتعلمون**﴾؛[۲] خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

اوقات ممنوع نماز

بهتر است در اوقات ممنوع از نماز گزاردن پرهیز شود؛ گرچه شیخ الاسلام ابن تیمیه‌ﷻ به جواز نماز گزاردن در اوقات ممنوع فتوا داده است؛ اما اکثر علما می‌گویند در آن اوقات نماز گزارده نشود.

۱ـ *سنن النسائی*، شماره‌ی (۳۲۵۱)، مسلم با *شرح النووی*، ج ۹، ص ۲۲۹.

۲ـ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۱۶

منظور شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله آن است که اگر استخاره کننده ناگزیر به استخاره بود، می‌تواند در اوقات ممنوع نماز بگزارد. اگر ممکن است نماز استخاره را در وقت جایز بگزارد، همین کار را انجام دهد تا از اختلاف دور شود. نویسنده‌ی کتاب *الدین الخالص* می‌گوید: شافعیه، قایل به جواز نماز استخاره در هر وقتی هستند؛ حتی در اوقات ممنوعه؛ چون نماز استخاره دارای سبب است. اما جمهور می‌گویند: در وقتی غیر از اوقات ممنوع، نماز استخاره گزارده شود، بخاطر تقدیم ممنوع بر مباح.(۱)

اوقات ممنوع همان سه وقتی است که در حدیث صحیح مسلم و دیگر احادیث از حدیث عقبه بن عامر رضی الله عنه آمده است که گفت:

سه وقت است که پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم ما را از نماز گزاردن و به خاک سپردن مردگان در آن منع فرموده است:

۱ـ هنگام طلوع خورشید تا مقداری ارتفاع یابد؛

۲ـ هنگام استوای خورشید در ظهر تا مقداری مایل شود؛

۳ـ هنگام غروب خورشید تا کاملاً ناپدید گردد.(۲)

از لحظه‌ی طلوع خورشید تا ارتفاع آن تقریباً پانزده دقیقه تخمین زده شده است و غروب آن نیز پانزده دقیقه در نظر گرفته شده است؛ اما در هنگام استوا در وقت ظهر، زمان ممنوعیت نماز، کمتر از پانزده دقیقه است.

---

۱ - رک: خطاب، محمود خطاب، *الدین الخالص*، ج ۵، ص ۲۴۳.

۲ - مختصر صحیح مسلم، شماره‌ی ۲۱۹

نمونه‌هایی از استخاره‌ی ممنوع

نویسنده‌ی کتاب *وصایا الرسول*، گونه‌هایی از استخاره‌ی ممنوع و ناجایز را ذکر کرده و از انجام دادن و باور داشتن به آن‌ها هشدار داده است.

۱ـ استخاره‌ی خواب

عملی که که فردِ نیازمند انجام می‌دهد یا از کسی دیگر می‌خواهد که این کار را برای او انجام دهد؛ بدین صورت است که مقداری قرآن تلاوت می‌کند و از خداوند می‌خواهد آنچه را که نیت کرده است، در خواب به او نشان دهد و یا اگر آنچه را که نیت کرده، خیر است، در خواب به او به شکل سبزی یا سفیدی نشان دهد و اگر آنچه که نیت کرده، بد است، در خواب به شکل سرخی یا سیاهی به او نشان دهد. این گونه استخاره اصلاً مشروع نیست. و انجام آن به مثابه‌ی عدول از آموزه‌های رسول اکرمﷺ و دعای جامع و فراگیری است که خیر دنیا و آخرت را در بر دارد. این گونه استخاره، با ایمان کامل و یقینی که مقتضی دوری از بدعت‌ها و آراسته شدن با سنت‌های رسول اکرمﷺ است، فاصله دارد.

۲ـ استخاره با تسبیح (فال گرفتن با تسبیح)

روش این استخاره بدین شکل است که فرد نیازمند یا کسی دیگر که برای او انجام می‌دهد، تسبیحی را بر می‌دارد و با شمردن آن، نیازش را زمزمه می‌کند، سپس بعضی از دانه‌های آن را در دستان خود نگه می‌دارد و بعد از آن، دانه‌های آن را می‌شمارد، اگر فرد بودند، از نیت خویش

منصرف می‌شود و اگر زوج بودند، نیت خود را خیر حساب می‌کند و برای انجام آن اقدام می‌کند.

این عمل بیشتر با باورهای دوران جاهلیت شباهت دارد؛ آنان پرنده را به هوا می‌پراندند؛ اگر به سمت راست می‌رفت به فال نیک می‌گرفتند و اگر به سمت چپ پرواز می‌کرد به فال بد می‌گرفتند واز تصمیم خود منصرف می‌شدند. شریعت این عمل را «الطيرة» نامیده و از انجام آن برحذر داشته است.

۳ـ استخاره با فال، مهره و کف بینی

تمام موارد فوق گونه‌ای از انحراف و گمراهی محسوب می‌شوند و مبنای آن توانمندی و زیرکی دجالی است که سخنانش را از خواسته‌ها و نیازمندی‌های شخص و موافقت او در پاره‌ای از چیزهایی که به گمان شخص، گمشده‌ی او هستند، استخراج می‌کند؛ از آلوده شدن به این گناه بایستی سخت پرهیز کرد. به عنوان هشدار این سخن رسول اکرم ﷺ کافی است، که می‌فرماید:

«من أتى عرافاً فسأله عن شيء، لم تقبل له صلاة أربعين ليلة»[۱]

«هر کس پیش فالگیر و پیشگو رود و از او درباره‌ی چیزی سؤال کند، نماز چهل شب او قبول نمی‌شود.»

باز فرموده است:

«من أتىٰ عرافاً أو كاهناً فصدقه بما يقول فقد كفر بما أنزل على

---

۱ ـ مسلم، شماره‌ی ۲۲۳۰؛ مسند احمد.

محمدﷺ»[۱]

«هر کس نزد فالگیر و پیشگو رود و سخن او را باور کند، بی شک چنین کسی به آنچه که بر محمدﷺ نازل شده است کفر ورزیده است.»

حضرت عایشه (رضی‌الله‌عنها) می‌گوید: هر کس گمان کند که آنچه را که فردا اتفاق می‌افتد، می‌داند؛ چنین کسی دروغ بسیار بزرگ و بهتان عظیمی به خداوند نسبت داده است؛ چون خداوند می‌فرماید:

﴿قل لا یعلم من فی السموات و الارض الغیب إلاّ الله﴾[۲]

«بگو: کسانی که در آسمانها و زمین هستند، غیب نمی‌دانند؛ جز خدا.»

برخی دیگر از این گونه موارد ناروا عبارتند از: «فتّاح»، همان کسی که وقتی نزد او بروی برایت کتابی باز می‌کند تا به تو بفهماند که از طریق کتاب می‌تواند از غیب و آینده اطلاع دهد و تو براحتی دروغ و گمراه‌گریِ او را باور کنی.

«طالب الاثر» جوینده‌ی رد، از کسانی که نزد او مراجعه می‌کنند، تکه‌ای پارچه می‌خواهد و می‌گوید که به زودی تو را از حال و آینده خبر می‌دهم؟ تمام این کارها بر مبنای دروغ و حیله استوارند.

«منجم»؛ کسی که با حساب‌های ریاضی، با نجوم و ستارگان کار می‌کند؛ سپس مراجعه‌کنندگان خودش را از گذشته و آینده‌ی کارهایشان خبر می‌دهد! غافل از اینکه خداوند از این دروغ و حقه‌ی او آگاه است و بر

---

۱ - امام *احمد*، *حاکم* از ابوهریره با سند حسن؛ *ابوداود*، بیهقی در *السنن الکبری*؛ دارمی، ابن‌ماجه و ابن جارود در *المنتقی*. ذهبی حدیث را قوی دانسته و عراقی در امالی خودش آن را تصحیح کرده است. *فیض القدیر*، ج ۶، ص ۲۳

۲ - سوره‌ی نمل، آیه‌ی ۶۵

این عمل او نظارت دارد و خودش می‌داند که افتراگر و دروغ‌پردازی بیش نیست. مدعی علم‌شناسی منازل برجها کسی است که سال‌ها را بر اساس برج‌ها تقسیم بندی می‌کند؛ مثلاً کسی در سال فلان متولد شده است برج او، برج الاغ است و هر کس در سال فلان متولد شده است برج او، گاو نر است و هر کس برج او فلان است، روز او غبار آلود است. بدین شکل، برخی از جراید رسمی اکثر کشورهای عربی، این خرافه‌ها را تبلیغ می‌کنند و چنان به آن آب و تاب می‌دهند که انگار حقیقت است و همیشه در صفحات جرایدشان بدان ستونی اختصاص می‌دهند. به گمان خودشان در راستای ایفای وظیفه‌ی فرهنگی گام برداشته‌اند و خدمتی فرهنگی انجام داده‌اند و بدین وسیله با خرافات مبارزه می‌کنند! اگر این خود خرافه نباشد، پس خرافه چیست؟

بستن کتاب با نخ و آویزان کردن با کلید به یکی از انگشتان و تلاوت آیاتی معین از قرآن، به وسیله‌ی آن آیات به عقیده‌ی خودش، جن را احضار می‌کند. سپس با آن استخاره می‌کند و می‌گوید: اگر این کار چنین است، کتاب را به سمت راست برگردان و اگر چنان نیست، کتاب را به سمت چپ برگردان. همه‌ی این‌ها بدعت و خرافه و وسیله‌ای است جهت گشودن باب شعبده و... گاهی هم موجب کفر ورزیدن به چیزی می‌شود که بر محمد ﷺ نازل شده است چنان‌که در حدیث گذشت. پرسیدن از غیبی که هنوز نیامده و آشکار نشده است و جز خدا هیچ کسی دیگر آن را نمی‌داند، تکذیب آن چیزی است که بر سرور ما حضرت محمد ﷺ نازل شده است؛ خداوند می‌فرماید:

﴿و ما تدری نفس ماذا تکسب غداً و ما تدری نفس بأیّ أرض تموت﴾[۱]

«و هیچ کس نمی‌داند فردا چه چیز فرا چنگ می‌آورد و هیچ کس نمی‌داند که درکدام سرزمین می‌میرد. (قطعاً خدا آگاه و باخبر است).»

﴿و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها إلا هو﴾[۲]

«گنجینه‌های غیب و کلید آن‌ها در دست خداست وکسی جز او از آنها آگاه نیست.»

﴿عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه أحداً إلا من ارتضی من رسول﴾[۳]

داننده‌ی غیب خداست و هیچ کس را بر غیب خود آگاه نمی‌سازد؛ مگر پیغمبری که خدا از او راضی باشد.»

سؤال از جن به هر شکل و کیفیتی که باشد بر سه قسم است: ۱ـسؤال از او درباره‌ی گذشته؛ ۲ـپرسیدن از اکنون، یا درباره‌ی اتفاقی که در جایی دور رخ داده است؛ ۳ـ سؤال از آینده.

سؤال اول و دوم بخاطر سد ذرائع ممنوع است؛ چراکه جن‌ها اکثراً دروغ می‌گویند و چه بسا سؤال مطرح شده از جن حتی در حضورش، بر او پوشیده بماند؛ همان گونه که مرگ حضرت سلیمانعليه السلام بر آنان مخفی ماند؛ در حالی که او در جلوی آنها ایستاده بود و آنان او را تماشا می‌کردند و از مرگ او خبر نداشتند و زمانی که عصای او در اثر خوردن موریانه افتاد، متوجه شدند که سلیمان مرده است. چنانکه خداوند می‌فرماید:

۱- سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۳۴
۲- سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۵۹
۳- سوره‌ی جن، آیات ۲۷ـ۲۶

﴿فلما قضينا عليه الموت مادلّهم على موته إلا دابة الأرض تأكل منسأته فلما خرّ تبيّنت الجن أن لّو كانوا يعلمون الغيب ما لبثوا فى العذاب المهين﴾[۱]

«زمانی که بر سلیمان مرگ را مقرر داشتیم، جنیان را از مرگ او آگاه نکرد [آنان را از مرگ او باخبر نساخت] مگر چوب خوارەهایی که (مدت‌ها بود به عصای سلیمان رخنه کرده بودند) و عصای وی را می‌خوردند. هنگامی که سلیمان فرو افتاد، آن وقت فهمیدند که اگر آنها از غیب مطلع می‌بودند در عذاب خوارکننده (و بیگاری اسارت) باقی نمی‌ماندند.»

۳ـ اما حکم سؤال جن از آینده، همانند حکم رفتن نزد ساحر و جادوگر و کاهن و فالگیر است، چرا که او با این عمل خود آیاتی را که بر محمد ﷺ نازل شده است تکذیب کرده و این کفر صریح و باوری زشت و ناگوار است.

---

۱ - سوره‌ی سبأ، آیه‌ی ۱۴

مشورت با عالمان

اگر استخاره‌کننده مشورت اهل فضل و ایمان را به استخاره‌ی خویش بیفزاید، این برایش بهتر خواهد بود.

حضرت **عمر**ﷺ به ابوموسی گفت: درباره‌ی کارهایت با کسانی که اهل تقوا هستند و از خداوند خوف دارند، مشورت کن.

شیخ الاسلام ***ابن تیمیه***ﷺ می‌گوید: کسی که از آفریدگار طلب خیر کند و با خلق مشورت کند و در انجام کارش ثابت و مصمم باشد، پشیمان نخواهد شد.

یک اعرابی می‌گوید: تا زمانی که قوم من ضرر نکند من هم ضرر نخواهم کرد. سؤال شد چگونه؟ گفت: تا زمانی که با آنان مشورت نکنم، کاری انجام نمی‌دهم.

حسن بصریﷺ می‌گوید: گروهی که کارهایشان را با مشورت انجام می‌دهند، حتماً به راست‌ترین و درست‌ترین راه هدایت خواهند شد.

شاعر خوش ذوقی می‌گوید:

شاور صدیقك فی الخفی المشکل و أقبل نصیحة ناصح متفضل

و الله قد اوصیٰ بذاك نبیه فی قوله شاورهم و توکل

«درکارهای مشکل و پوشیده با دوستت مشورت کن و نصیحت هر نصیحت‌گر اهل فضل را پذیرا باش؛

چراکه خداوند پیامبرش را به آن سفارش کرده، آنگاه‌که فرمود با آنان مشورت کن و سپس در انجام کار بر خدا توکل کن.»

رسول اکرمﷺ همیشه با یاران خویش مشورت، می‌کرد و در اموری که وحی نازل نمی‌شد به مشورتشان عمل می‌کرد؛ بر مبنای این قول خداوند:

﴿و شاورهم فی الأمر﴾[1] «در کارها با آنان مشورت کن.»

از این موارد در کتاب‌های سنن و سیرت فراوان است؛ به عنوان مثال: فرود آمدن رسول اکرمﷺ بخاطر مشورت حباب بن منذرؓ کنار آب بدر، پذیرفتن فدیه از اسیران بدر بخاطر مشورت ابوبکر صدیقؓ، بیرون شدن رسول اکرمﷺ برای رویارویی با مشرکان در احد، بنا بر مشورت جوانان، عمل کردن به مشورت حضرت ام سلمه رضی‌الله عنها در صلح حدیبیه و از لباس احرام بیرون شدن و سر را تراشیدن؛ و در مواضع دیگر نیز رسول اکرمﷺ به رأی و مشورت آنان عمل کرده است.

از این رو خداوند در قرآن از آنان تمجید می‌کند و مشورت را یکی از خصایص و ویژگی‌هایشان برمی‌شمرد:

﴿و امرهم شوریٰ بینهم﴾[2]

«و کارشان به شیوه‌ی رایزنی با یکدیگر است.»

خداوند در قرآن کریم یکی از سوره‌ها را «شوری» نامیده است تا به اهمیت و فواید بزرگ آن اشاره کند.

انسانِ اهل مشورت عقل‌های دیگران را به عقل خودش می‌افزاید و علم آنان را به علم خودش اضافه می‌کند، چون که مشورت به مثابه‌ی

۱- سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۵۹

۲- سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۳۸

بارور ساختن عقل‌ها است؛ مشورت با اهل فضل و برادران ایمانی نشان تواضع و فروتنی است و رابطه‌ی برادری و پیوند محبت‌آمیز را می‌افزاید. اگر بعد از مشورت با آنان در انجام کار با شکست مواجه شدی، از سوی آنان هیچ سرزنش و عتابی متوجه تو نخواهد شد؛ چراکه تو در کارت؛ خود رأی و تک‌رو نبوده‌ای و به عقل و فهم خودت مغرور نشده‌ای و با برادرانت در خصوص آن کار مشورت کرده‌ای. این است که می‌گویند:

«ما خاب من استخار و لا ندم من استشار»

«استخاره گر ناامید نمی‌شود و کسی که مشورت کند پشیمان نخواهد شد.»

حکم مشورت

مشورت در امور خاص مستحب است و در مسائل سیاسی و نظامی و امور عمومی دیگر، واجب.

خداوند می‌فرماید:

﴿و شاورهم فی الأمر فإذا عزمت فتوکّل علی الله﴾[1]

«در کارها با آنان مشورت کن و هنگامی که (پس از شور و تبادل نظر) تصمیم به انجام کاری گرفتی (قاطعانه دست به کار شو و) بر خدا توکل کن.»

حسن بصری و ضحاک رحمها الله می‌گویند: خدا به پیامبرش از آن رو امر به مشورت نمی‌کند که به رأی و مشورت آنان نیازمند است؛ بلکه بدین خاطر است که می‌خواهد به آنان بیاموزد که در مشورت؛ خیر نهفته است و دیگر اینکه امت بعد از او به همین شیوه از او پیروی و اقتدا کنند.[2]

ابن عطیه رحمه الله می‌گوید: مشورت از مبانی شریعت است و هر مسئولی که با عالمان و دینداران مشورت نکند، عزل او واجب است.

ابن خویز منداد رحمه الله می‌گوید: بر مسئولان در مسائلی از دین که برایشان مشکل می‌نماید و آنچه مربوط به بخش نظامی مملکت می‌شود و آنچه را که نمی‌دانند، در این امور مشورتشان با علما واجب است و آنچه به

۱- سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۵۹

۲- *الجامع لأحکام القرآن*، ج ۴، ص ۱۶۱

مصالح و منافع عمومی مربوط می‌شود باید با بزرگان و ریش سفیدان قوم مشورت کنند و آنچه به مصلحت کشور و آبادانی آن مربوط است باید با قشر نویسنده و وزیران و کارگزاران مشورت کنند.

دیدگاهی که عمل به مشورت را واجب می‌داند راجح‌ترین دیدگاه فقهاست و ما هم همان را برگزیده‌ایم و آن را ترجیح می‌دهیم؛ چون قرآن این دیدگاه را تأیید می‌کند و طبق آن، امور بر پایه‌ی حکمت و مصلحت می‌چرخند. واجب دانستن مشورت مانعی در برابر ایجاد استبداد و تسلّط دیکتاتوری محسوب می‌شود.

حضرت علی رضی الله عنه می‌گوید:

«نعم المؤازرة المشاورة و بئس الاستعداد الاستبداد»

«بهترین یاور و پشتوانه، مشورت است و بدترین استعداد و توانایی، استبداد است.»

بیهقی از ابن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند، که رسول اکرم ﷺ فرموده است:

«أما إن الله و رسوله لغنیان عنها، و لکن جعلها الله تعالی رحمة لأمتی، فمن استشار منهم لم یعدم رشداً، و من ترکها لم یعدم غیّاً»(۱)

«هان! بدانید که خداوند و پیامبرش از مشورت بی‌نیاز هستند، اما خداوند آن را برای امت من مایه‌ی رحمت قرار داد. لذا هر کس از آنان مشورت کند راه درست را از دست نخواهد داد و هر کس آن را ترک کند از راه انحراف نجات نخواهد یافت.»

۱- روایت فوق را آلوسی در تفسیر *روح المعانی* به ابن عدی و بیهقی ارجاع داده است. سند آن نیز حسن است.

برخی از حکیمان گفته‌اند: هر کس چهار چیز داشته باشد از چهار چیز محروم نمی‌شود:

۱ـ هر کس سپاسگزار باشد، از اضافه گرفتن محروم نمی‌شود؛

۲ـ هر کس اهل توبه باشد، از قبولیت محروم نمی‌شود؛

۳ـ هر کس اهل استخاره باشد، از خیر محروم نمی‌شود؛

۴ـ هر کس اهل مشورت باشد، از صواب محروم نمی‌شود.

طرف مشورت چه کسی باشد

اکنون به صفات و ویژگی‌هایی می‌پردازیم که لازم است طرف مشورت داشته باشد. اگر مشورت درباره‌ی مسایل دینی است، لازم است که طرف مشورت عالم و اهل تقوا باشد. آدم سالخورده اگر به «ارذل العمر» نرسیده باشد، از فرد کم سن و سال بهتر است. اگر مشورت درباره‌ی مسایل دنیوی است، لازم است که طرف مشورت انسانی عاقل و باتجربه باشد. اگر طرف مشورت با وی رابطه‌ی دوستانه دارد، این از کسی دیگر بهتر است. شاعری سروده است:

و ان باب أمر عليك التوى فشاور لبيباً و لا تعصه

«اگر دروازه‌ی کاری بر تو پیچیده و دشوار شد، پس با فردی دانا مشورت کن و از مشورت او سرپیچی مکن.»

دیگری گفته است:

و اذابلغ الرأی المشورةفأستعن برأی لبيب او مشورة حازم

«وقتی که رأی به مرحله‌ی مشورت رسید آن وقت از رأی انسان عاقل و فهمیده و یا از رأی انسان پخته و باتجربه کمک بگیر.»

اصمعی رحمه الله می‌گوید: به بشار که گوینده‌ی شعر فوق است گفتم؛! ای ابومعاذ! مردم از اشعارت شگفت زده شده‌اند، پاسخ داد: ای ابوسعید! بدین خاطر است که مشورت کننده یا به صواب می‌رود و ثمره‌ی آن را به دست می‌آورد و یا بر خطا می‌رود و در بدی آن شریک است. اصمعی می‌گوید: به بشار گفتم که تو در گفتار نثر خودت شاعرتر از کلام خودت در شعر هستی.

برخی گفته‌اند با کسی که کارها را تجربه کرده است مشورت کن؛ چون او نظر و پیشنهادی را به تو می‌بخشد که بر او گران تمام شده و تو اکنون آن را رایگان دریافت می‌کنی.

سفیان ثوری رحمه الله می‌گوید: طرف مشورت تو باید مردمانی اهل تقوا، امانتدار و اهل خشیت و ترس از خدا باشند.

رسول اکرم ﷺ فرموده است:

«**المستشار مؤتمن**»؛ طرف مشورت امانتدار است (و باید چیزی را که با او در میان گذاشته شده، فاش نکند).

باز فرموده است:

«**من أشار علی أخیه بأمر یعلم أن الرشد فی غیره فقد خانه**»[۱]

«اگر کسی برادرش را به کاری راهنمایی کند که بداند خیر در غیر آن است، قطعاً به او خیانت کرده است.»

حضرت جابر بن عبدالله رضی الله عنه می‌گوید:

---

۱ - ابوداود، حاکم و دارمی با سند حسن از ابوهریره رضی الله عنه.

«بایعت رسول الله ﷺ علی إقامة الصلاة، و إیتاء الزکاة، و النصح لکل مسلم»(۱)

«با رسول الله ﷺ بیعت کردم که نماز را بر پا دارم و زکات اموال را پرداخت کنم و نصیحت و دلسوزی را نسبت به هیچ مسلمانی دریغ نکنم.»

آنچه برای استخاره‌کننده آشکار می‌شود

به تجربه برایم ثابت شده که خیر برای استخاره‌کننده به میزان صداقت ایمان‌و‌کمال یقین او آشکار می‌شود؛

۱ـ استخاره کننده اگر از ایمان راستین و یقین نیرومند و قلبی بیدار و زنده بهره‌مند باشد، خداوند قلبش را در اثنای استخاره یا بعد از آن حتماً به آن سو که خیر است جهت خواهد داد و قلبش را به سوی خیر متوجه خواهد کرد. یک بار برای خودم اتفاق افتاد که درباره‌ی کاری که به آن علاقه‌مند بودم، زیاد اصرار ورزیدم، از خداوند طلب خیر کردم و مرتب نماز گزاردم و مدام به دعا نشستم. در مرتبه‌ی سوم چون از استخاره فارغ شدم یکباره متوجه شدم که قلبم تحوّل پیدا کرده و احساسات و عواطفم تغییر کرده است و از کاری که به آن سخت علاقه‌مند بودم و آرزوی رسیدن به آن را داشتم روی گردان شده‌ام و با خود گفتم: پاکیزه و منزه است ذاتی که دگرگون کننده‌ی قلب‌ها و گرداننده‌ی آن‌هاست، ذاتی که تغییر می‌دهد، اما خودش تغییر نمی‌پذیرد؛ کسی که فریادرسی می‌کند و پناه می‌دهد، اما خود نیازمند فریادرسی و پناه نیست.

---

۱ ـ صحیح بخاری، ج ۱، ص ١٦٦؛ صحیح مسلم، شماره ۱۲۱۰.

رسول اکرم ﷺ در این باره می‌فرماید:

«ان قلوب بنی آدم کلها بین أصبعین من اصابع الرحمن کقلب واحد یصرفها کیف یشاء اللهم مصرف القلوب، صرف قلوبنا إلی طاعتك»[1]

«هان! آگاه باشید که تمام قلب‌های آدمیزاد بین دو تا انگشت از انگشتان خدای رحمان‌قرار دارند، درست‌همانندیک قلب هرطورکه بخواهد آن‌ها را برمی‌گرداند، ای خدای گرداننده‌ی قلب‌ها! دل‌های ما را به سوی طاعت خویش برگردان.»

باری از ام سلمه (رضی‌الله عنها) پرسیده شد که‌ای ام المؤمنین! هنگامی که پیامبر ﷺ نزد تو بود، بیشتر چه دعایی می‌کرد؟ گفت: بیشتر این دعا را می‌خواند:

«یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینك»

«ای گرداننده‌ی قلب‌ها قلبم را بر دینت پایدار کن.»

عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ در این چه رازی نهفته است که بیشتر این دعارا می‌خوانید؟ فرمود: ای ام سلمه! هیچ آدمیزادی نیست که قلبش بین دو انگشت از انگشتان خداوند نباشد، هر قلبی را بخواهد راست می‌گرداند و هر کدام را بخواهد کج می‌کند.[2]

۲ـ گاهی برای استخاره کننده در زمان استخاره یا بعد از آن خیر آشکار نمی‌شود. این امر شاید بخاطر عوامل ذیل باشد، احتمال دارد که شخص ایمان ضعفی دارد یا در یقینش کمی و کاستی وجود دارد، یا علت آن شهوتی است که صفای آینه‌ی قلبش را مکدر و آلوده کرده است، یا به

۱ـ *الاحادیث الصحیحة*، آلبانی شماره (۱۶۸۹)

۲ـ *صحیح سنن الترمذی*

سبب شبهه و غفلتی است که او را از توجه راست و ایجاد رابطه‌ی دوستانه با پروردگار جهانیان باز داشته است. بنابراین کسی که چنین نباشد قطعاً از به دست آوردن کارهای خیر محروم نمی‌شود و حتماً خداوند بدی را به برکت استخاره از او دور می‌کند. هرچند ممکن است با تأخیر و بعد از انتظار زیاد اثرش نمایان شود. مثلاً اتفاق می‌افتد که درباره‌ی ازدواج یا تأسیس شرکت و یا برای مسافرت و... استخاره کند، اما بعد از استخاره برای انجام آن شرح صدر نمی‌شود و حیران و سرگردان می‌ماند، سپس برای انجام کاری اقدام می‌کند؛ همانند اقدام در امر ازدواج با زنی ناصالح، یا شرکتی تأسیس می‌کند که سودی برایش ندارد، یا می‌خواهد به سفری رود که برایش ظاهراً مفید نیست، بعد از اینکه کاملاً خودش را آماده می‌کند و فاصله‌ای بین او و وقوع کار مورد نظر باقی نمانده است، در همین گیر و دار خداوند او را به برکت استخاره از کارهایی که برای او خیر و برکتی در بر ندارد، نجات می‌دهد. اگر چه فعلاً ضعف ایمان او سبب شده است که دیر به خیر هدایت شود و از آغاز از آن محروم بوده است و به همین سبب بار فشار و خستگی متوجه او شده است، و خدا هر کسی را که بخواهد به راه درست هدایت می‌کند.

۳ـ گاهی استخاره کننده خوابی می‌بیند(۱) که خیر و شر را درباره‌ی

۱ـ حافظ ابن حجر از المهلب نقل می‌کند که مردم درباره‌ی خواب دارای سه درجه هستند: الف: انبیاء، تمام خوابهای انبیا صادق و راست است، گاهی برخی از خواب‌هایشان نیاز به تفسیر دارد؛
ب: نیکان و صالحان، اکثر خواب‌هایشان راست در می‌آید و گاهی برخی از خواب‌هایشان نیاز به تعبیر پیدا نمی‌کند و غیر از این دو دسته افرادی هم برخی از خواب‌هایشان راست در می‌آید.
ج: گروهی که خواب‌های پریشان می‌بینند سه گروه هستند:
۱) کسانی که حالشان پوشیده است، اغلب وضعیتشان نسبت به خودشان برابر است؛ ←

آنچه از خداوند طلب خیر کرده است برایش مشخص می‌کند؛ این خواب، خوب است در صورتی که با توجهات قلبی هماهنگ باشد و برایش ایجاد شرح صدر کند و احساس آرامش و اطمینان کند. اگر خواب به چیزی فرا می‌خواند که قلب نسبت به آن آشفته و پریشان بود و آن را ناگوار و ناپسند می‌دید آن خواب هیچ اعتباری ندارد و بر آن هیچ گونه حکم شرعی و امر تکوینی مترتب نخواهد شد، اگر چه بارها تکرار شود.

کسانی را می‌شناسم که با خواب همان تعامل را می‌کنند که انبیا با وحی می‌کردند، انگار اینان پیامبرانی هستند که از طریق خواب به آنان وحی می‌شود. استدلالشان هم واقعه‌ی حضرت ابراهیم خلیل الله است که در خواب دید فرزند دلبندش حضرت اسماعیل علیه السلام را ذبح می‌کنند. خداوند در قرآن بیان می‌کند:

﴿فلما بلغ معه السعی قال یا بنیّ إنی أری فی المنام أنیّ أذبحك فانظر ماذا تری قال یا أبت افعل ما تؤمر ستجدنی ان شاء الله من الصابرین﴾[۱]

«وقتی که (او متولد شد و بزرگ گردید و) به سنی رسید که می‌توانست با او به تلاش (در پی معاش) بپردازد. ابراهیم بدو گفت: فرزندم! من در خواب چنان می‌بینم که باید تو را سر ببرم (و قربانیت کنم). بنگر نظرت چیست؟ گفت: ای پدر! کاری که به تو دستور داده می‌شود بکن. به خواست خدا مرا شکیبا خواهی یافت.»

---

۲) فاسقان؛ اکثر خواب‌هایشان خیالات و حالات پریشانی است و کمتر راست در می‌آیند؛

۳) خواب کافران خیلی کم اتفاق می‌افتد که راست باشد؛ رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: کسانی که راست گفتارند خوابشان هم راست در می‌آید.

مسلم از ابوهریره شماره (۲۲۶۳) روایت کرده است. حافظ ابن حجر در توجیه حدیث می‌گوید: بعضی از خواب‌های کافران نیز صادق بوده است، همانند خواب، دو نفری که هم زندانی یوسف علیه السلام بودند و خواب پادشاهشان و... *فتح الباری*، ج ۱۲، ص ۳۷۹.

۱- سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۱۰۲

در این جمله خوب دقت کنید که می‌فرماید: «**افعل ما تؤمر**»، کاری که به تو دستور داده می‌شود بکن؛ به وی نگفت که آنچه را در خواب می‌بینی بکن، چرا که خواب انبیا وحی است و وحی چه در خواب و چه در بیداری، یا امر است یا نهی.

این قضیه مخصوص پیامبران است و جز آنان هیچ کس نمی‌تواند چنین ادعایی کند؛ هر کس چنین ادعایی کرده و یا خود را وارد آن کند، حتماً زیان و خسارت را به جان خریده است و خود را مرتعی آباد و محلی امن برای وسوسه‌های شیطانی قرار داده است. چه بسا منشأ برخی از خواب‌ها، بیماری‌های روحی ـ روانی باشد، یا مبنای آن‌ها شطحات صوفیانه باشد.

اکنون پاره‌ای از مثال‌هایی را که پایه‌ی آن‌ها جهل است، برایتان ذکر می‌کنم؛ کسی دختر بچه‌اش را بخاطر خوابی که دیده است به قتل می‌رساند؛ مطبوعات ترکیه تقریباً هفت سال پیش خبری را چاپ کردند که مردی دختر بچه‌اش را برای شیخ نقشبندی خودش که چندین بار او را در خواب دیده بود و در خواب او را امر کرده بود که کنار قبرش قربانی کند، به قتل می‌رساند و بدینوسیله برای تقرب به شیخ، قربانی تقدیم می‌کند. وقتی که قاضی در دادگاه از او می‌پرسد بر این عمل خودش پشیمان است یا خیر، پاسخ می‌دهد که هرگز پشیمان نیست، بلکه برعکس خوشحال و خرسند است از اینکه توفیق یافته است امر شیخ را که به او سپرده است اجرا کند؛ عیناً همان طور که خداوند با ابراهیم و اسماعیل کرد. اگر راست می‌گوید، چرا خداوند برای او قوچی نفرستاد، همان طور که به جای اسماعیل فرستاد: ﴿**و فداه بذبح عظیم**﴾؛ «خداوند به جای او قربانی بزرگی فرستاد و آن را بلاگردان او کرد.»

باری برای **شریک بن عبدالله** القاضی با مهدی خلیفه‌ی عباسی اتفاقی رخ داد؛ شریک نزد او رفت، وقتی مهدی او را دید گفت: شمشیر بیاورید. شریک گفت: چرا ای امیر مؤمنان؟ گفت: در خواب دیدم که تو وارد خانه‌ام شده‌ای و راه می‌روی و در عین حال از من رو بر می‌تابی، خوابم را برای معبران تعریف کردم، تعبیرشان چنین بود که تو به ظاهر از من اطاعت می‌کنی ولی در باطن از من نافرمانی می‌کنی. شریک به او پاسخ داد: اولاً خواب تو خواب ابراهیم خلیل نیست؛ دیگر اینکه تعبیرکننده هم، یوسف صدیق نیست. آیا بر اساس خواب‌های دروغین و نشأت گرفته از خیال و وهم مؤمنان را به قتل می‌رسانی؟ مهدی از پاسخ شریک شرمنده شد.

داستان دیگر حکایت دوشیزه‌ای است که هیچ کاری انجام نمی‌دهد ـ گرچه به آن علاقه‌مند هم باشد ـ تا زمانی که خدا به او امر نکند دست به هیچ کاری نمی‌زند. اگر از او بپرسید که راه دریافت امر از سوی خداوند چیست؟ می‌گوید: من دستورات الهی را از طریق خواب دریافت می‌کنم و می‌گوید: مگر خواب نیک از سوی خداوند نیست، مگر بخشی از چهل و ششمین بخش نبوت نیست؟(۱)

حدیث مزبور را امام بخاری از قتاده روایت کرده است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«الرؤيا الصالحة من الله و الحلم من الشيطان»

«خواب نیک از سوی خداوند است و خواب پریشان و خیال پرداز از سوی شیطان است.»

۱ـ بخاری ـ حدیث صحیح است.

هیچ عالمی و عاقلی نگفته است که خواب یکی از منابع شریعت است.

اگر امامان بزرگوارﷺ، امام ابوحنیفه، امام شافعی و امام احمد و... چنین برداشت می‌کردند، حتماً خواب نیک را به منابع شریعت و دلایل چهارگانه‌ی معتبر احکام نزد جمهور، می‌افزودند آن اصول چهارگانه عبارتند از کتاب الله، سنت صحیح رسول الله، اجماع و قیاس؛ یا حداقل آن را در ردیف اصول و منابع فرعی قرار می‌دادند؛ مانند قول صحابی، شریعت کسانی که پیش از ما بوده‌اند، عرف، سد ذرائع، استحسان.

امام شاطبیﷺ در ***الاعتصام*** می‌گوید: خواب غیر معصوم یا خواب غیر انبیا به هیچ وجه اثبات کننده‌ی حکم شرعی نیست، مگر آنکه بر منابع صحیحی که در دست داریم، آن را عرضه کنیم. اگر با آن‌ها موافق بود پس به مقتضای آن عمل می‌شود و اگر موافق نبود ترک آن واجب خواهد بود و باید از آن رویگردان شد.(۱)

وی می‌افزاید که اگر در خواب دید کسی به او می‌گوید فلانی سرقت کرده، برو دستش را قطع کن، یا فلانی عالم است، برو از او سؤال کن یا آنچه می‌گوید طبق آن عمل کن، یا فلانی زنا کرده است، حد را بر او جاری کن و موارد دیگر همانند این موارد، هرگز اجرای آن‌ها صحیح نیست، مگر آنکه در بیداری، برای صحت آن دلیل و قرینه‌ای وجود داشته باشد. اگر چنین کند کاری خارج از محدوده‌ی شریعت انجام داده است؛ چرا که پس از رسول اکرمﷺ وحی قطع شده است.

۱ـ *الاعتصام*، ج ۱، ص ۱۸۹.

حدیثی که او به آن استدلال کرده که خواب مؤمن چهل و ششمین جزء نبوت است، در صحیح بخاری است از انس و عبادة بن صامت -رضی‌الله عنهما- نقل شده، که رسول اکرم ﷺ فرمود: «**رؤیا المؤمن جزء من ستة و أربعین جزءاً من النبوة**» کسی که آرا و سخنان علماء را در توجیه و تبیین این حدیث بررسی کند، بدین مسئله قانع خواهد شد که خواب با جزئی از اجزای نبوت شباهت دارد؛ طوری که گاهی در خواب به‌گونه‌ای از امری غیبی اطلاع داده می‌شود، آن هم به صورت اجمال نه تفصیل و جز مژده یا هشدار یا عتاب و سرزنش چیز دیگیر نخواهد بود. هرگز نمی‌توان گفت که بخشی از نبوت است و به احکام دین و دنیا و حلال و حرام ارتباط دارد؛ طوری که انسان مصالح خویش را بخاطر خوابی که در گذشته دیده است رها سازد، یا به انتظار خوابی تشیند که در آینده می‌بیند.

امام شاطبی رحمه‌الله در ***الاعتصام*** می‌گوید: اینکه بگوییم خواب از اجزای نبوت است به معنای آن نیست که خواب، وحی مطلق است؛ بلکه جزئی از اجزای آن است و همیشه جزء در تمام ابعاد، جایگزین کل نمی‌شود. و خواب تنها جنبه‌ی بشارت و انذار دارد و همین کافی است. دیگر اینکه خوابی که جزئی از اجزای نبوت است شرط آن است که نیک باشد و بیننده‌ی آن نیز نیک سرشت باشد. در مورد شرایط هم بایست دقت شود؛ چون گاه فراهم می‌شوند و گاه نمی‌شوند. خواب به چند قسم است: خوابی که خیال و وهم است و از وسوسه‌های شیطان به شمار می‌رود؛ خوابی که حدیث نفس است، گاه نیز در اثر هیجان بعضی از اخلاط دیده می‌شود. پس هر گاه صالح بودن خواب محقق شد، آن وقت

به صلاحیت آن حکم داده و غیر آن رها می‌شود، و در غیر این صورت هرگز به آن توجه نمی‌شود.

ابوالعباس قرطبی؆ در *المفهم* می‌گوید: احتمال دارد که منظور از این حدیث آن باشد که خواب نیک (رؤیا صادقه) خصلتی از خصلت‌های نبوت باشد. چنان که در حدیثی دیگر آمده است:

«التؤدة و الاقتصاد و حسن السمت جزء من ستة و عشرین جزءاً من النبوة»(۱)

«دلسوزی و محبت و میانه‌روی و زیبایی‌منشی جزئی از بیست و شش جزء نبوت است.»

باز فرموده است:

«الهدی الصالح و السمت الصالح جزء من خمسة و عشرین جزءاً من النبوة»(۲)

روش نیک و منش نیک جزئی از بیست و پنجمین جزء نبوت است.

الهام و القا در قلب

دمیدن در درون از دیگر موارد دریافت است. مگر نه آن است که به گفته‌ی قرآن خداوند در مورد موسی به مادر او وحی کرد! گفته شده که آنچه به مادر موسی رسید نوعی الهام بود. الهام نیز از گونه‌های وحی به شمار می‌رود؛ رسول خداﷺ می‌فرماید:

---

۱ - رک: قرطبی، ابوالعباس، *المفهم لما اشکل تلخیص کتاب مسلم*.

۲ـ ترمذی، طبرانی

«إن روح القدس نفث فی روعی أن نفساً لن تموت حتی تستوفی رزقها و أجلها»[۱]

«بی‌شک روح القدس - جبرئیل - در قلبم الهام کرده است که هیچ جانداری نخواهد مرد تا زمانی که روزی‌اش به او به کمال و تمام نرسد و تا زمانی که اجلش فرا نرسیده باشد.»

حافظ ابن حجر رحمه الله از حلیمی نقل می‌کند که گاهی فرشته در قلب برخی انسان‌های صالح الهام می‌کند و بدین گونه او را در به دست آوردن پیروزی بر دشمن امیدوار می‌کند، در انجام کاری امیدوار و از نزدیک شدن به چیزی بیمناک می‌کند و بدین وسیله وسوسه‌ی شیطان با حضور فرشته از او دور می‌شود و این نصیحت نمی‌تواند با علم احکام وعد و وعید ربطی داشته باشد؛ چرا که این از ویژگی‌های نبوت است.[۲] باز در *فتح الباری* از ابومظفر سمعانی نقل شده که الهام همان است که قلب را برای به دست آوردن علمی تحریک کرده که انسان را بدون استدلال به عمل وادارد. رأی جمهور این است که عمل به آن تنها زمانی جایز است که هیچ دلیلی نباشد و آن مورد هم از موارد مباح باشد.

امام شاطبی رحمه الله در *الموافقات* می‌گوید: تمام چیزهایی که رسول خداﷺ از آن با خواب یا کشف و الهام یا القا در قلب خبر داده است، مثل این است که فرشته از سوی خداوند به او القا کرده است. به نسبت امت بدیهی است که هیچ کدام از آنان معصوم نیست و اشتباه و خطا

---

۱ - حاکم، ابن حبان، ابونعیم در الحلیة و ابن ماجه. سندش صحیح است.

۲ - *فتح الباری*، ج ۱۲، ص ۳۸۳

و نسیان در حق آنان جایز است. نیز احتمال دارد که خواب یک فرد، خیال و وهم باشد و کشف او فاقد پشتوانه‌ای از واقعیت باشد. حتی اگر درست بودن آن آشکار شود، باز هم احتمال اشتباه و توهم باقی است و هر کس که وضعیتش چنین باشد نمی‌تواند به آن حکم قطعی بدهد.[۱]

حکایتی دیگر از پیرزنی است که گمان می‌کند صاحب فلان ضریح یا صاحب فلان گنبد و... دو سال در خوابش ظاهر می‌شود و از او می‌خواهد که جشن مولود یا همایش بزرگداشت برایش برگزار کند، ـ می‌توانی بگویی که مراسم رقص و آواز خوانی ـ می‌دانیم که برگزاری جشن مولود خوانی، بدعتی ناپسند است و به شکلی که اکنون برگزار می‌شود در بسیاری از آن مراسم، زشت‌ترین منکرات را مرتکب می‌شوند و بزرگترین معصیت‌ها در آن انجام می‌گیرد. آیا جز شیطان کسی دیگر به منکر و بدعت دستور می‌دهد، گرچه در شکل و لباس وحی باشد؟!

برخی از پیروان طرق صوفیه بر این باورند که آنچه از رقص و آوازخوانی و شطحات و... انجام می‌دهند، ذکر خداوند است و برای این کارِ باطلشان به پاره‌ای از احادیث مجعول یا دروغین استناد می‌کنند، یا برخی از آیات قرآن را به نادرست توجیه و تفسیر می‌کنند، و از آن برداشتی غلط می‌کنند؛ مثلاً استدلال می‌کنند که جوانان کهف کارهایی مانند کارهای آنان انجام می‌داده‌اند و مانند آنان می‌رقصیده‌اند و خداوند از آنان خبر داده و این کارشان را ستوده است.

---

۱ - شاطبی، *الموافقات*، ج ۴، ص ۴۵

﴿و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا فقالوا ربّنا ربّ السموات و الارض لن ندعوا من دونه إلهاً لقد قلنا إذا شططا﴾ (۱)

«ما به دلهایشان قدرت و شهامت دادیم، آن گاه به پا خاستند و (برای تجدید میعاد با آفریدگار خود، در میان مردم فریاد برآوردند و) گفتند: پروردگار ما، پروردگار آسمان‌ها و زمین است، ما هرگز غیر از او معبودی را نمی‌پرستیم. (اگر چنین بگوییم و کسی را جز او، معبود بدانیم) در این صورت سخن گزاف و دور از حق گفته‌ایم.»

به گمان این گروه، اصحاب کهف مانند اینان برخاستند، خود را راست و کج کردند، رقصیدند، فریاد زدند، عربده کشیدند و بر کف پایشان چرخیدند و پای کوبی کردند. در آیات فوق، هرگز چنین چیزی که آنان ادعا می‌کنند، نیست و هیچ مفسری هم آن طور که آنان می‌پندارند، آیات را تفسیر نکرده است، بلکه آنان آیات خدا را تحریف می‌کنند و بر خدا دروغ برمی‌بندند.

امام مسجدی گمان می‌کند که شبانه با رسول خداﷺ کنفرانس مطبوعاتی برگزار می‌کند

فرد مذکور شیخی است که مجموعه‌ای را رهبری می‌کند و برای هر نمازی پیش نمازشان می‌شود و آنان را درس و تعلیم می‌دهد. هر گاه از او سؤالی بپرسند، از کتاب خدا و سنت رسول خداﷺ یا با اجتهاد عالمان و امامان به آنان فتوا نمی‌دهد، بلکه پاسخ را به تأخیر می‌اندازد و از

---

۱ - سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۱۴

﴿یا ایها الذین آمنوا توبوا إلی الله توبة نصوحاً﴾[۱]

ای مؤمنان! به درگاه خدا برگردید و توبه‌ی خالصانه کنید.

﴿و توبوا إلی الله جمیعاً أیّه المؤمنون لعلکم تفلحون﴾[۲]

ای مؤمنان! همگی به سوی خدا برگردید تا رستگار شوید.

اما درباره‌ی روزه جایز نیست که ما بر مردم روزه‌ی ماهی را فرض کنیم، جز همان ماهی که خداوند خودش روزه‌ی آن را بر آنان فرض کرده است. چنین حکمی جز از راه *وحی* ثابت نمی‌شود و بعد از وفات رسول اکرم ﷺ وحی نازل نمی‌شود.

رؤیاها و خواب‌ها نمی‌توانند مبنای اثبات شریعت و احکام باشند. علما و اندیشمندان اسلامی چنین معتقدند. ابن حزم در کتاب *المحلی* می‌گوید: حضرت عمر رضی الله عنه می‌گوید رسول خدا ﷺ را در خواب دیدم که به من نگاه نمی‌کند. عرض کردم: ای رسول خدا، گناه من چیست که به من نگاه نمی‌کنی؟ فرمود: گناه تو این است که در حالت روزه زنت را می‌بوسی. ابن حزم می‌گوید: احکام شرعی از راه خواب ثابت نمی‌شود، در صورتی که رسول خدا ﷺ به عمر در زمان حیات خودش فتوا داده بود که بوسه زدن در حالت روزه مباح است. غیر ممکن است این حکم در خواب بعد از وفات منسوخ شود (پناه به خدا). ابن حجر در *فتح الباری* می‌گوید: گفتار رسول خدا ﷺ در خواب باید با سنت‌هایش مقایسه شود. اگر با آن موافق بود، حق است و اگر مخالف بود، حمل بر شنیدن نادرست بیننده‌ی خواب خواهد شد.[۳]

۱- سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۸ ۲- سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۱

۳- *فتح الباری*، ج ۱۲، ص ۴۰۴

خداوند دین را در بیداری، کامل کرده است. می‌فرماید:

﴿الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتي و رضیت لکم الاسلام دینا﴾(۱)

«امروز دین شما را برایتان تکمیل کردم و نعمت خویش را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین برگزیده بر شما پسندیدم.»

بعد از تکمیل دین، بی نیاز از آن خواهیم بود که از طریق خواب و الهام چیزهایی به آن بیفزاییم. در این باره اگر چنین راهی را بگشاییم حتماً کسانی خواهند آمد و به ما خواهند گفت که بر پنج نماز، نمازی دیگر افزوده شده است و افراد بخیل و کودن گمان خواهند کرد که رسول خدا ﷺ تکالیف بدنی و مالی را از عهده‌ی آنان ساقط کرده است؛ این چنین انسان‌های افراطی و تندرو، چیزهایی بر دین خواهند افزود و انسانهای تنبل و سست از تکالیف دین خواهند کاست، تا جایی که نشانه‌های دین و شعبه‌های ایمان محو و نابود شوند.

برخی از آنان به این حدیث صحیح رسول خدا ﷺ استدلال می‌کنند که می‌فرماید:

«و من رآني في المنام فقد رآني فإن الشیطان لا یتمثل بي»

«هر کس مرا در خواب بیند بی‌شک خودم را دیده است، چون شیطان نمی‌تواند خودش را به شکل من درآورد.»(۲)

اما می‌تواند با قیافه‌ها و شکل‌های دیگر ظاهر شود و خود را به جای رسول خدا ﷺ معرفی کند و حتی می‌تواند ادعا کند که خداست. این

۱- سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳

۲- رک: بخاری، شماره (۱۹۹۴)

وضعیت برای یکی از علما رخ داده است. شیطان در برابر او چنان ظاهر شده که انگار نوری است و خطاب به آن عالم گفت من پروردگارت هستم و من حرام را برایت حلال کردم. آن عالم در پاسخ گفت: بتمرگ ای ملعون! و از شر او به خدا پناه برد.

شیطان به او گفت: چگونه مرا شناختی؟ گفت: خداوند با این چشمان قابل رؤیت نیست ؛ این بینایی توانِ درک الله را ندارد و او می‌تواند دیده‌ها و بینایی‌ها را درک کند؛ در صورتی که من تو را با دیده خویش دریافتم. تو حرام را برایم حلال کردی، چون خداوند آنچه را که بر محمد حرام کرده است هیچ وقت آن را بر من حلال نمی‌کند. شیطان به او گفت: تو با علم خودت از دست من نجات یافتی. با این روش من پیش از تو هفتاد عابد را فریفته‌ام.

این کار را وقتی که در بیداری انجام می‌دهد، در خواب بیشتر می‌تواند انسان را بفریبد؟ این امر مستلزم آن است که انسان بیننده نسبت به شخصیت و صفات رسول خداﷺ آگاه باشد و ویژگی های اخلاقی و جسمی او را بررسی کند. از این رو علما می‌توانند او را بشناسند و تشخیص دهند؛ چون آنان صفات و ویژگی‌های اخلاقی پیامبر را فراگرفته‌اند و می‌دانند؛ اما نمی‌توان آن را امری مسلم تلقی کرد؛ چون کسانی که او را قبل از وفات مشاهده نکرده‌اند، تشخیص برای آنان آسان نخواهد بود، اما کسانی که او را قبل از وفات دیده‌اند در خواب دیدن آن حضرت برای آنان ساده است: کسی که بخواند و بشنود، همانند کسی نیست که ببیند و مشاهده کند.

یادم است که فردی روستایی نزدم آمد و تعریف کرد که رسول

خدا ﷺ را در خواب دیده است و او را به چیزهایی امر کرده است. به او گفتم کسی که در خواب دیده‌ای چه شکلی بود؟ شروع کرد به تعریف شخصیتی که ما او را نمی‌شناسیم و غیر از آن شخصیتی بود که ما خوانده و شنیده بودیم. از جمله صفاتی که برایش ذکر کرد این بود که رنگ او سیاه است و لباس سیاه می‌پوشد. با لحنی تحقیرآمیز به او گفتم تو حتماً فلانی را دیده‌ای و نام یکی از رهبران آفریقا را برایش ذکر کردم.

زید بن ایوب می‌گوید: اگر کسی نزد محمد بن سیرین می‌آمد و مدعی می‌شد که رسول خدا ﷺ را در خواب دیده است، به او می‌گفت کسی که در خواب دیده‌ای چه شکلی بود؟ اگر صفتی ذکر می‌کرد که ابن سیرین آن را نمی‌شناخت، به او می‌گفت تو رسول خدا ﷺ را ندیده‌ای. حافظ ابن حجر می‌گوید سند این روایت صحیح است و برای تأیید آن روایت صحیحی از عاصم بن قلیب آورده است. قلیب می‌گوید: پدرم برایم حدیث بیان کرده و گفت: به ابن عباس گفتم که رسول خدا ﷺ را در خواب دیدم. گفت: فرمود آنچه دیدی برایم تعریف کن. می‌گوید شمایل حسن بن علی را برایش تعریف کردم و او را به آن کسی که دیده بودم تشبیه کردم گفت درست است رسول خدا ﷺ را دیده‌ای.(۱)

باز ابن حجر در *فتح الباری* ج ۱۲، صص ۴-۳ بیان می‌کند که عادت بر این است که اگر فردی بی‌سواد مدعی شد که رسول خدا ﷺ را در خواب دیده است بایست سؤال کرد. اگر با صفاتی که در روایات آمده است موافق بود قبول است و اگر موافق نبود از او پذیرفته نمی‌شود.

۱- *فتح الباری*، ج ۱۲، ص ۴۰۰، سندش جیّد است.

در وصف پیامبرﷺ چنین آمده است:

«وكان أبيض كأنما صيغ من فضة رجل الشعر»

پیامبر اکرمﷺ سفید بود، گویی از نقره ساخته شده و دارای موهای صاف بود.

حضرت انسؓ می‌گوید:

«كان رسول اللهﷺ أزهر اللون كأنّ عرقهُ اللؤلؤ»[۱]

پیامبر اکرمﷺ دارای رنگ روشن بود، عرق آن حضرت انگار مروارید بود.

حضرت ابوهریرهؓ می‌گوید: چیزی زیباتر از رسول خداﷺ ندیده‌ام. انگار خورشید بر گرد چهره‌اش در حال حرکت است.[۲]

از این دسته خرافات، اوراق و نوشته‌هایی است که در دست دانش‌آموزان و دانشجویان مسلمان هر سال قبل از برگزاری امتحانات می‌بینیم. نویسنده یا ناشر آن گمان می‌کند که طی آن وصیت رسول خداﷺ برای امت بیان شده، که اکنون از طریق شیخ احمد، خادم حرم، به آنان می‌رسد. او مدعی است که رسول خداﷺ در خواب نزد او آمده است و او را به نوشتن این وصیت نامه سفارش کرده است و هر کسی آن را و باور کند و تعدادی از آن را یک بار بنویسد یا چاپ کند، مال و سرمایه‌اش زیاد و در امتحانات نیز قبول شده و در کارهایش موفق می‌شود؛ اگر بیمار باشد شفا می‌یابد، اگر کسی آن را تأیید نکند و مضمون آن را باور نکند، در امتحانات مردود می‌شود، فرزندانش می‌میرند و به

۱- مسلم (۱۳۳۰)

۲- روایت ابن حبان، شماره (۶۳۰۹) محقق کتاب می‌گوید: بنا بر شرط مسلم صحیح است.

بلاهای دیگری گرفتار می‌شود. اینان با پخش این دروغ‌ها و خرافات، دانشجویان را از مطالعه و درس خواندن دور و پریشان می‌کنند. از این رو، به رونویسی تعداد بیشتری از اوراقی که باور کرده‌اند که موفقیت فقط از سوی آن به سراغشان می‌آید، می‌پردازند. اگر بعد از تلاش بسیار در امتحان مردود شوند در دین شک می‌کنند و دینداران را خوار می‌شمارند، در صورتی که دینداران از این بدعت‌ها و خرافه‌ها بیزار هستند.

کوتاه سخن آنکه توصیه‌ی ما به کسی که کارش مشکل شد و برای رسیدن به خیر، رهیافته نشد، این است که در دعا و زاری و تضرع بکوشد و فقر و ناتوانی و بیچارگی خویش را در پیشگاه پروردگار اظهار کند و عبادت فروتنانه‌ی خویش را به پروردگارش عرضه کند و امیدوار باشد که پروردگار او را به بهترین و هدایت یافته‌ترین راه، رهنمون خواهد شد.

از شیخ الاسلام *ابن تیمیه* رحمه الله نقل می‌کنند که هر گاه حکم مسئله‌ای بر او پوشیده می‌ماند و درست و نادرست آن برایش مشخص نمی‌شد، به پروردگار پناه می‌برد و او را التماس و زاری می‌کرد. گاهی به بعضی از مساجد قدیمی در بیابان پناه می‌برد و خود را به زمین می‌انداخت و پیشانی بر خاک می‌سایید و زبونی و فروتنی و خاکساری خویش را به پیشگاه پروردگار یکتا عرضه می‌کرد و می‌گفت:

«يا معلّم ابراهيم علّمني، يا مفهم سليمان فهّمني»

ای معلم ابراهیم به من تعلیم ده. ای فهماننده‌ی سلیمان به من بفهمان.

همین طور ادامه می‌داد تا خداوند مشکل او را حل می‌کرد و دری در برابرش می‌گشود؛ چرا که خداوند بسیار گشایشگر مشکل‌ها و بس داناست. می‌گفت گاهی ذهنم در برابر مسئله‌ای یا چیزی یا حالتی که بر

من مشکل بود، قفل می‌شد و حالت ایستایی پیدا می‌کرد؛ پس هزار بار یا بیشتر و کمتر از خداوند طلب مغفرت می‌کردم تا زمانی که خداوند به من شرح صدر می‌داد و ابهام آنچه که بر من پیش آمده بود، رفع می‌شد.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«أعجز الناس من عجز عن الدعـاء و ابخـل النـاس مـن بخـل بالسلام»(۱)

ناتوان‌ترین انسان کسی است که از دعا ناتوان شود و بخیل‌ترین انسان کسی است که از سلام دادن دریغ کند.

نیز رسول خدا ﷺ فرموده است:

«من سرّه أن یستجیب الله له عند الشدائـد و الکـرب فـلیکثر الدعاء فی الرخاء»(۲)

هر کسی دوست دارد که خداوند به هنگام سختی‌ها و مـصیبت‌ها دعـایش را اجابت کند، باید به هنگام خوشی به کثرت دعا کند.

۱ـ آلبانی، *سلسلة الأحادیث الصحیحة* (۶۰۱)

۲ـ همان، شماره (۵۹۳)

بعد از استخاره چه باید کرد؟

استخاره کننده بعد از آن سه کار بایست انجام دهد:

۱ـکاری را که قبلاً به آن تمایل و شرح صدر پیدا کرده انجام دهد؛

۲ـحتی اگر به موردی خاص قلباً تمایل و شرح صدر نداشت، باز هم آن را انجام دهد؛

۳ـاگر بین انجام دوکار دودل بود، مجدداً نماز بگزارد و استخاره کند و چنان خشوع و فروتنی کند و اصرار ورزد که هر جزئی از اجزای بدنش به خداوند تعلق پیدا کنند.

بخاطر داشته باشیم که ربط خواب با استخاره اشتباه است، و باید برای اصلاح و تصحیح آن اقدام شود. این اعتقاد عوامانه که استخاره حتماً در شب پیش از خواب باشد تا آنچه را که نیت کرده در خواب ببیند و خیر را از شر بشناسد، اعتقادی نادرست و بی‌پایه است؛ چرا که اساس شناخت خیر از شر و آنچه که لازم است بعد از استخاره انجام دهد، خود از عبارات دعا مشخص است. یعنی ما از خداوند خیر و خوبی می‌خواهیم و از او طلب می‌کنیم که خیر را برایمان آسان و خجسته گرداند و دلهایمان را به آن خشنود سازد و در قسمت شر از خداوند می‌خواهیم که آن را از ما دور سازد و ما را نیز از آن دور سازد و همیشه ما را به سمت خیر هدایت و راهنمایی کند. لذا بعد از استخاره به انتظار هدایت و حصول توفیق

نشستن از جانب خداوند، آرمان و آرزوی ما است؛ شریعت هم همین قدر برای ما آورده است و مجاز نیستیم که بر آن چیزی دیگر بیفزاییم. نبایست روزنه‌ای برای نفوذ شیطان به دلهایمان بگشاییم تا از سوی آن ما را مورد هجوم قرار دهد و با وسوسه‌ها و نیرنگ‌هایش تخم فساد و باورهای نادرست را در اذهان ما بکارد.

خداوند رحمت کند کسی را که گفته است: «کمال خیر و برکت فقط در پیروی از پیشینیان است و کمال شر و بدی فقط در غوطه ور شدن در بدعت‌ها و خرافه‌های پسینیان است.»

خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿و ما آتاكم الرسول فخذوه و مانهاكم عنه فانتهوا و اتقوا الله إن الله شديد العقاب﴾ (۱)

«چیزهایی را که پیامبر برای شما آورده است اجرا کنید و از چیزهایی که شما را از آن باز داشته است دست بکشید و از خدا بترسید که خدا عقوبت، سختی دارد.»

از این روست که رسول خدا ﷺ ما را از بدعت گذاری سخت منع کرده و فرموده است که بدعت‌گذاری از بدترین امور است. همیشه می‌گفت و مرتب در هر خطبه و درسی می‌فرمود:

«و إنّ شر الأمور محدثاتها، و كل محدثة بدعة، و كل بدعة ضلالة، و كل ضلالة فى النار» (۲)

«بدانید که بدترین امور چیزهای جدید در دین هستند و هر پدیده‌ی جدیدی [در دین] بدعت است و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش جهنم است.»

۱- سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۷

۲- نسایی، ج ۳ / ۱۸۸، به شماره‌ی: (۱۵۷۸)

پرسش و پاسخ

۱ـ اگر برای کسی مشکلی پیش آمد و خواست درباره‌ی آن استخاره کند و وقت هم آن قدر نبود که بتواند هم نماز بگزارد و هم دعا کند، یا در حال سیر و سفر بود و وضو نداشت، آیا در چنین شرایطی دعای استخاره را بدون نماز می‌تواند بخواند؟

ج: اگر در حال سفر بود و نمی‌توانست از ماشین یا قطار و... پیاده شود، او می‌تواند با اشاره نماز بگزارد، سپس دعای استخاره‌ی را بخواند. اگر وقت تنگ بود و نمازگزاردن و دعا با هم ممکن نبود، فقط به دعا اکتفا کند. اگر وضو نداشت و وضوگرفتن هم ممکن نبود یا بخاطر تنگی وقت یا بنا بر علتی دیگر شرایط وسیله‌ی نقلیه هم طوری بود که نمی‌توانست نماز بگزارد، بدون نماز دعا کند. چون به اندازه‌ی توانش تلاش و عمل کرده است و خداوند به چیزی که در توان ما نیست، فرمان نمی‌دهد. اکنون دانستید که دعای استخاره و نماز برای آن، سنت است و درجه‌ی سنت هم پایین‌تر از فرض است، از این رو، گزاردن نماز سنت داخل سواری، حتی اگر به سمت غیر قبله حرکت می‌کرد، جایز است. و به جای قیام هم می‌تواند بنشیند. مسلماً اگر این عمل را در فرایض بدون عذر انجام دهد نمازش باطل می‌شود. والله اعلم.

۲ـ اگر کسی دعای استخاره را حفظ نبود چگونه استخاره کند؟

ج: با هر لفظی که می‌تواند از خداوند طلب خیر کند و نیازش را نام ببرد. اگر بگوید: «**اللّهمّ خيرلي و اخترلي**» بارالها خیر را به من عطا کن خیر را برایم برگزین «**و اقدر لي الخير حيث كان**» خیر هر کجا که باشد آن را برایم میسر و مقدور گردان، باز هم درست است. خداوند قرائت سوره‌ی

فاتحه و آیات دیگر را که خواندن آن در نماز واجب، است، از ذمّه‌ی افراد ناتوان ساقط کرده است و به جای آن می‌تواند تسبیح بخواند. حضرت ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر اکرم ﷺ روایت می‌کند:

«إذا أمرتكم بأمر فائتوا منه ما استطعتم، وما نهيتكم عنه فانتهوا»[(۱)]

«وقتی شما را به انجام کاری امر می‌کنم، آن را به اندازه‌ی توانتان انجام دهید و از آنچه که شما را باز می‌دارم از انجام آن دست نگه دارید.»

آن شخص در این صورت هم به اندازه‌ی توانش عمل کرده است.

۳ـ شخصی دعای استخاره را بعد از نماز استخاره، بدون اینکه حمد و ثنای خدا گوید و یا بر رسول صلوات بفرستد، می‌خواند، آیا این حد برایش کافی است؟

ج: اصل این است که در آغاز و پایان هر دعایی، دعا کننده حمد و ثنای خدا گوید و بر رسول خدا ﷺ صلوات بفرستد؛ چنانکه علی رضی الله عنه از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند:

«كل دعاء محجوب حتى يصلّى على النبي ﷺ»[(۲)]

«هیچ دعایی پذیرفته نمی‌شود، تا بر رسول خدا ﷺ درود فرستاده نشود.»

از سوی دیگر به خاطر تشابه با مؤمنانی که در بهشت هستند، ستایش‌کردن خدا در دعا مناسب است. خداوند از آنان خبر می‌دهد که می‌گویند:

---

۱ -ترمذی سندش ضعیف است. این روایت را با وجود ضعف سندش برای افراد ناتوان بدین خاطر پیشنهاد کردم که امام احمد می‌گوید: حدیث ضعیف نزد من از رأی رجال بهتر است.

۲ - *مجمع الزوائد*،ج ۱۰، ص ۱۶۰؛ *سلسلة الاحاديث الصحيحة*، شماره‌ی (۲۰۳۵)

﴿و آخر دعواهم أن الحمدلله رب العالمین﴾[۱]

«و ختم دعا و گفتارشان این است: ستایش پروردگار جهانیان را سزاست.»

در روایتی دیگر آمده است:

«کل أمر ذی بال لا یبدأ فیه بالحمدلله فهو أقطع»[۲]

«هر کاری که با الحمدلله آغاز نشود،دم بریده و ناقص خواهد بود.»

امام نووی رحمه الله می‌گوید علما بر استحباب گفتن الحمدلله و صلوات بر پیامبر در آغاز و پایان دعا اتفاق دارند. آثار و روایت در این باره زیاد و مشهورند. درباره‌ی دعای استخاره می‌گوید: آغاز دعای استخاره و ختم آن با الحمدلله و صلوات بر رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم، مستحب است.

تنها چیزی که درباره‌ی استخاره تأکید شده است نماز استخاره است. اگر نماز استخاره را خواند، گویا به امر مطلوب جامه‌ی عمل پوشانده است؛ چون در سیاق حدیث استخاره، ذکری از ثنا و حمد برای خدا و درود بر پیامبر اکرم نیست. شاید بدین سبب در دعای استخاره از حمد و ثنا و درود یادی نکرده است که در نمازِ استخاره به اندازه‌ی کافی ثنا و حمد و سلام و درود وجود دارد و به همان بسنده کرده است، یا عدم ذکر آن بخاطر دلایلی عمومی است که مشروعیت ثنا و حمد و صلوات بر رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در هر دعایی از آن‌ها افاده می‌شود. دیدگاه امام نووی متکی به همین دلیل اخیر است. فتوای شیخ *عبدالعزیزبن باز* رحمه الله نیز همین است. من نیز این حدیث پیامبر را ترجیح می‌دهم: رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به ابوایوب انصاری رضی الله عنه فرمود:

---

۱ - سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۱۰

۲ - رک: نووی: *الاذکار*، روایت مرسل است.

«اکتم الخطبة، ثم توضا فأحسن الوضوء، ثم صلّ ماکتب الله لك ثم أحمد ربك و مجّده»

«امر خواستگاری را در قلبت پنهان‌کن، سپس وضوی کامل بگیر، آنگاه هر چند که خداوند میسر کرده است نماز بگزار، سپس به حمد و تمجید پروردگارت بپرداز.»

سپس بگو:
«اللهم إنك تقدر و لا أقدر، و تعلم و لا أعلم، و أنت علاّم الغیوب»(۱)

«خدایا تو می‌توانی و من نمی‌توانم، تو می‌دانی و من نمی‌دانم، تو داننده‌ی غیب‌ها هستی.»

اگر روایت فوق صحیح باشد بر مشروعیت ثنا و حمد برای خدا بعد از نماز و پیش از استخاره صراحت دارد. والله اعلم.

۴ـ گروهی می‌خواهند از خداوند به صورت دستجمعی درباره‌ی امری طلب خیر کنند و همگی نماز استخاره را با جماعت می‌گزارند، آیا این کارشان صحیح است؟

ج: نماز استخاره و نوافل دیگر، جز مؤکده، با جماعت جایز است مشروط بر آن‌که بر انجام آن دلیلی باشد، مانند نماز تراویح.

امام بخاری در کتاب گرانسنگ خویش ***الجامع الصحیح*** بابی تحت عنوان «صلاة النوافل جماعة» بسته است. برای اثبات و تأیید جواز نوافل

---

۱ ـ امام احمد، طبرانی و ابن حبان. در سند حدیث عبدالله لهیعه وجود دارد. نام برده مختلف فیه است. امام احمد حدیث را با سندی دیگر روایت کرده است که تمامی رجال آن ثقه هستند. ***الفتح الربانی***، ج ۵، ص ۴۹، ***مجمع الزوائد***، ج ۲، ص ۲۸۰

گلچینی از تشویق‌های پیامبر ﷺ در مورد دعا

رسول اکرم ﷺ فرموده است: «الدعاء هو العبادة»(۱)

«دعا عین عبادت است.»

سپس تلاوت فرمود:

﴿و قال ربکم ادعوني أستجب لکم إنّ الذین یستکبرون عن عبادتي سیدخلون جهنم لاخرین﴾(۲)

پروردگار شما می‌گوید: مرا به فریاد بخوانید تا از شما بپذیرم، کسانی که خود را بزرگتر از آن می‌دانند که مرا به فریاد خوانند یقین بدانند خوار و پست داخل دوزخ خواهند شد.

رسول خدا ﷺ فرموده است:

«لیس شيء أکرم علی الله من الدعاء»(۳)

هیچ چیزی نزد خداوند از دعا گرامی‌تر نیست.

نیز فرموده است:

«إذا تمنّیٰ أحدکم فلیکثر فإنما یسأل ربه عز و جل»(۴)

هرگاه یکی از شما چیزی آرزو کرد و از خداوند خواستار چیزی شد باید زیاد بخواهد، چون او از پروردگارش سؤال می‌کند.

۱- به روایت ترمذی. حدیث صحیح است ۲- سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰

۳- ترمذی، امام احمد، بخاری در *الادب المفرد*. حدیث حسن است.

۴- طبرانی در *الاوسط*. رجال سندش صحیح هستند.

در روایتی دیگر آمده است:

«اذا سأل أحدكم فليكثر فإنما يسأل ربه»(۱)

هر وقت یکی از شما از خداوند چیزی سؤال کرد، باید زیاد سؤال کند، چون از پروردگارش سؤال می‌کند.

حضرت انس رضی الله عنه از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

«ليسألنّ أحدكم ربه حاجته أو حوائجه حتى يسأله شسع نعله اذا انقطع حتى يسأله الملح»(۲)

«حتماً شما نیاز و یا همه‌ی نیازهایتان را از پروردگارتان مسئلت کنید. حتی بند کفشتان را هنگامی که قطع شود، از او سؤال کنید و حتی نمک را از او مسئلت کنید.»

حضرت عایشه (رضی‌الله‌عنها) می‌گوید:

«سلوا الله كل شيء حتى الشسع فإنّ الله إن لم ييسر لم يتيسر»

«از خداوند هر چیزی که نیاز دارید سؤال کنید، حتی بند کفش را، زیرا اگر خداوند آن را فراهم نکند میسر نخواهد شد.»

حضرت ابو هریره رضی الله عنه می‌گوید رسول خدا ﷺ فرموده است:

«من لم يسأل الله يغضب عليه»(۳)

«هر کس از خداوند مسئلت نکند حتماً بر او خشم خواهد گرفت.»

---

۱ - سلسلة الاحاديث الصحيحة بشمارهٔ (۱۳۲۵)

۲ - به روایت بزار. رجال او رجال صحیح هستند به جز یسار بن حاکم که او نیز ثقه است. مجمع *الزوائد*، ج ۱۰، ص ۱۵

۳ - ترمذی، بخاری در *الادب المفرد*، ابن ماجه. درجه‌ی حدیث حسن است.

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه می‌گوید رسول خداﷺ فرموده است:

«أفضل العبادة الدعاء»[۱] بهترین عبادت، دعا است.

اسامه بن زید رضی الله عنه می‌گوید رسول خداﷺ فرموده است:

«سلوا الله علماً نافعاً و تعوذوا باالله من علم لاینفع» [۲]

«از خداوند علم سودمند مسئلت کنید و از علم غیر سودمند به او پناه برید.»

حضرت عبادة بن صامت رضی الله عنه می‌گوید رسول اکرمﷺ فرموده است:

«ما علی الأرض مسلم یدعو الله بدعوة إلاّ أتاه الله إیاها أو صرف عنه من السوء مثلها مالم یدعُ بإثم أو قطیعة رحم. فقال رجل من القوم: إذا نکثر قال: الله اکثر[۳]

«هر مسلمانی در روی زمین از خداوند چیزی مسئلت کند، قطعاً به خواسته‌های وی ترتیب اثر خواهد داد، یا مشکلی همانند آن را از او دور خواهد کرد، به شرطی که دعایش منجر به گناهی و یا باعث قطع پیوند خویشاوندی نشود. یکی از حاضرین گفت: در این صورت بیشتر می‌خواهیم. فرمود: خداوند متعال هم بیشتر از آن می‌بخشد و بیشتر اجابت می‌کند.»

حضرت عایشه (رضی‌الله‌عنها) می‌گوید از رسول خداﷺ شنیدم که می‌فرمود:

«أقرب ما یکون العبد من ربه فی سجوده، و اذ اقام یصلّی فی ثلث اللیل الآخر، فإن استطعت أن تکون ممن یذکر الله فی تلك

---

۱ - آلبانی، *سلسلة الاحادیث الصحیحة*، (۱۵۷۹)

۲ -همان بشمارهٔ (۱۵۱۱)

۳ - ترمذی، امام احمد در مسند. حدیث صحیح است.

الساعة فکن»(۱)

در سجده و همچنین در ثلث آخر شب بیش از هر زمان دیگر بنده با پروردگار خویش نزدیک است. اگر می‌توانستی از کسانی باشی که در این لحظه به ذکر و نیایش خدا می‌نشینند، پس از آنان باش.

حضرت ابو درداء رضی الله عنه می‌گوید رسول اکرم ﷺ می‌فرمود:

«دعوة المرء المسلم لأخيه بظهر الغيب مستجابة، عند رأسه ملك مؤكّل به كلما دعا لأخيه بخير، قال الملك الموكل به: آمين و لك بمثل»(۲)

دعای مسلمان برای برادر مسلمانش در غیاب او پذیرفته خواهد شد و بالای سر او فرشته‌ای مأمور است که هرگاه برای برادر خودش دعای خیر کند آن فرشته‌ی مأمور می‌گوید: آمین (قبول باشد) و برای خودت همچنین باد.

---

۱ - ترمذی، ابن‌خزیمه آن را صحیح دانسته است، نسایی، حاکم، *جامع الاصول*، ج ۴، ص ۱۴۴

۲ - صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۱۷، ص ۵۰

پایان

آنچه گذشت، مروری سریع بود که با نماز و دعای استخاره پشت سر نهادیم. اما دریغا که بسیاری از مسلمانان این دو مورد را ترک کرده‌اند.

اینان متأسفانه چهره‌ی پاکیزه‌ی شرع را با عادت‌ها و باورهایی که خدا و رسولش حرام کرده‌اند، آلوده ساخته‌اند.

در این مرور گذرا، مشاهده کردید کسانی را که از سنت پاک رسول خدا روی گردانند و به دنبال کاهنان، ساحران و شعبده بازان حرکت می‌کنند، چه زیان بزرگی می‌بینند.

دیدید که خواب‌ها و رؤیاها هیچ وقت بر مبنای شریعت و احکام نبوده و نیستند. این مسئله‌ی مورد اتفاق علمای مشهور و قابل اعتماد است.

درباره‌ی قرائت در نماز دانستید که هر مقداری از قرآن بعد از سوره‌ی فاتحه در نماز استخاره بخواند نیز درست است و قبل از همه چیز، روزی حلال باید مد نظر باشد. حضور قلب نیز الزامی است. سپس تجرد و یکسویی از حول و قوه‌ی خویش و تبرا و دوری از هوای نفس و خواسته‌های آن، سپس استقبال قبله و تضرع و زاری و فروتنی و دل شکستگی و تکرار و اصرار در دعا خوب و پسندیده است.

همیشه زبانت را عادت بده که «یا رب» ورد آن باشد؛ چرا که خداوند دارای لحظات و ساعاتی است که در آن سؤال هیچ سؤال کننده‌ای را رد

نمی‌کند و آرزومندی را ناامید نمی‌گرداند.

این است یافته‌های بنده درباره‌ی استخاره. از خداوند مسئلت می‌کنم که به بنده در برابر این رساله پاداش عنایت کرده و برای خواننده‌اش سودمند گرداند. اگر در آن خطا و اشتباهی است از جانب من و شیطان است و اگر در آن صوابی هست بخاطر توفیق و پشتیبانی خداوند سبحان است.

تنها او است هدایت‌گر به حق و به راه راست، و صراط مستقیم. بی‌شک او بهترین دوست و یاور است. درود و سلام خداوند بر بنده‌اش خاتم پیامبران محمد ﷺ باد. سبحان ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين.

دعا

حضرت حذیفه بن یمان رضی الله عنه می‌فرماید: بر مردم دورانی خواهد آمد که هیچ کس در آن نجات نمی‌یابد، مگر کسی که دعایی مانند آدم غرق شده در آب، دعا کند.

«اللهم قد کثر الفساد فی البر والبحر، و قل من یعرفك فی الشدة والرخاء، و من یدعوك وحدك فی السراء و الضراء، أللهم تب علینا و لاتهلکنا بما صدر منّا و لاتعذبنا بما فعل السفهاء منّا»[1]

«بار الها! فساد در خشکی و دریا به اوج خود رسیده است و اندکند کسانی که تو را در سختی و خوشی بشناسند و اندکند کسانی که تنها تو را در خوشی و ناخوشی فرا خوانند. بار الها! به ما توفیق توبه عنایت کن و توبه‌ی ما را پذیرا باش و ما را بخاطر آنچه مرتکب شده‌ایم هلاک مگردان و بخاطر کارها و خطاهای نادانان، ما را عذاب مده.»

«والسلام»

---

۱ ـ *صفة الصفوة*، ج ۱، ص ۳۱

منابع مؤلف

۱۔ قرآن کریم	
۲۔ تفسیر القرآن الکریم	ابن کثیر
۳۔ الجامع لاحکام القرآن	القرطبی
۴۔ زادالمسیر	ابوالفرج ابن الجوزی
۵۔ روح المعانی	علامہ آلوسی
۶۔ فتح الباری	حافظ ابن حجر عسقلانی
۷۔ صحیح مسلم با شرح نووی	امام نووی
۸۔ مختصر صحیح مسلم	منذری
۹۔ عون المعبود	مبارکپوری
۱۰۔ جامع الاصول	ابن اثیر
۱۱۔ عارضة الاحوذی شرح ترمذی	ترمذی
۱۲۔ الترغیب و الترهیب	منذری
۱۳۔ مجمع الزوائد	هیثمی
۱۴۔ مسند الشهاب	قضاعی
۱۵۔ المغنی	ابن قدامة المقدسی
۱۶۔ المحلی	ابن حزم اندلسی
۱۷۔ الفتاوی	امام ابن تیمیه

۱۸ـ المجموع شرح المهذب	امام نووی
۱۹ـ مدارج السالکین	ابن القیم الجوزی
۲۰ـ الجواب الکافی	ابن القیم الجوزی
۲۱ـ جلاء الافهام	ابن القیم الجوزی
۲۲ـ جامع العلوم و الحکم	ابن رجب الحنبلی
۲۳ـ سلسلة الاحادیث الصحیحة	علامه آلبانی
۲۴ـ الاعتصام	امام شاطبی
۲۵ـ الموافقات	امام شاطبی
۲۶ـ نیل الاوطار	امام شوکانی
۲۷ـ شأن الدعاء	الخطابی
۲۸ـ فقه السنة	سید سابق
۲۹ـ الدین الخالص	محمود خطاب السبکی
۳۰ـ وصایاالرسول	طه عفیفی
۳۱ـ الفقه الواضح	محمد بکر اسماعیل
۳۲ـ حلیةالاولیاء	ابونعیم اصفهانی
۳۳ـ الفوائد	ابن القیم الجوزی
۳۴ـ فقه العبادات	استاد حسن ایوب
۳۵ـ علاج الامور السحر من الشریعة الاسلامیة	ابوبکر حنبلی

از دیرباز برای تشخیص خوب یا بد بودن کاری که تصمیم به انجام آن گرفته شده، روش‌های خاصی به کار می‌رود. امروزه فال حافظ و فال قهوه و استخاره گرفتن با قرآن از شیوه‌های متداول در میان مردم است. بدیهی است که این شیوه‌ها نمی‌توانند سرنوشت ما را رقم بزنند و یا ما را نسبت به وضعیت تصمیمی که گرفته‌ایم، آگاه کنند.

بهترین شیوه‌ای که در این باب از پیامبر(ص) به ثبوت رسیده، استخاره است. چه خوب است به جای شیوه‌های خرافی استخاره، این شیوه که هم خردمندانه است و هم با موازین شرعی مطابقت دارد، در زندگی ما رایج شود.

نوشتار کم‌حجم اما آموزنده‌ای که پیش روی دارید، با همین هدف فراهم آمده است.

ISBN 964-356-440-1

9789643564407

نشر احسان

فروشگاه شمارهٔ ۱: تهران. خیابان انقلاب. روبروی دانشگاه تهران. مجتمع فروزنده. شماره ۴۰۶
تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴

فروشگاه شمارهٔ ۲: تهران. خیابان ناصرخسرو. کوچه حاج نایب. شماره ۱/۱۱
تلفن: ۳۳۹۰۲۷۵۰